

ناو باد امپریالسم جهانی  
سرکردگی امپریالسم امریکا  
ویاگاه داخلیش

# کد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

۲۰ صفحه

چهارشنبه ۲۷ آبانماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۳۶

## رژیم ایران آرزوی گسترش روابط با پاکستان کرد

(کپتان دوشنبه ۱۸ آبان) گرچه روابط حسنه فی ما بین دوکشور از بدتها پیش جریان داشته است و از جمله با تداران - هم اکنون در پاکستان تعلیم خلبانی می بینند و مستشاران نظامی پاکستان در پاکستان گاه گاهی ایران کاربرد سلاحهای آمریکا طی آموزش میدهند، اما رشد و گسترش روابط دوکشور ایران و پاکستان چیزی فراتر از موازین گذشته بوده و مسئله نفعه در صفحه ۶

میرحسین موسوی خامنه ای که اخیراً به نخست وزیری رژیم جمهوری اسلامی منصوب شده است و برای جلوگیری از اطلاع مردم در مورد وابستگی خانوادگی به خامنه ای، رژیم از یکبار بردن نام کامل او خودداری می کند، طی پیامی که در پاسخ پیام تبریک ضیاء الحق این مپره دست نشاندۀ امریکا فرستاد، آرزوی رشد روابط دوکشور ایران و پاکستان را نمود

## اعتراف به ورشکستگی امپریالسم

امپریالسم امریکا اکثریت ممالک در حال توسعه بود. کشورهای در حال توسعه در این نشست سیاست های اقتصادی و مالی "صندوق" و "بانک" را به بحثی موردتوجهش قرار دادند.

از ۳۰ سینا میرتا ۲ اکتبر سال - و شگفت میزبان نشست سالانه مشترک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نوسازی و توسعه بود. از زمان آغاز این نشست، صحنه دیگری میان ممالک صنعتی سرما به اداری، به سرکردگی

### سرمقاله

### ناشیگرهای دیپلماتیک

وزارتخانه رژیم جمهوری اسلامی در هفته گذشته یکی دیگر از شیرین کارهای دیپلماتیک خود را به نمایش گذاشت و در ادامه سیاست دیپلماتیک فعال یک طرح احقاقی و در همان حال ناشیانه را برای حل مسئله اقتصاد ایران ارائه داد. این طرح چرخه بهمان اندازه پیشنهاد تشکیل یک جبهه اسلامی منحصر به بی یا است و در مقابل بین المللی کسی جز سیاستمداران این طرح برخورد نکرد، اما از این زاویه که کردار شدگان دیپلماتیک رژیم تا تا شگری کودکانی ما هیت سیاستهای ارتجاعی، نتایج و زکار آنها و مدخله جویانته خود را افشا کرده اند، بسیار قابل تأمل و آموزنده است.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز از قدرت رسیدنش در ادامه سیاستهای خود، در سیاست خارجی نیز که بتحولیتفکیک با سیاست داخلی بیونته در داد، ممالک و بانکهای آن محسوب میشود، دست سیاستهای ارتجاعی و فدا انقلابی زد و کوشید تحت عنوان "مدور انقلاب اسلامی و در واقع اعمال سیاست با ن اسلامیسما ارتجاعی، مرتجع ترین نیروهای مذهبی را در منطقه بسیج کند و بدین طریق سیاستهای ما چرا جویانته، ارتجاعی و زکار آنها خود را افشا نمود. اگر تا دیروز ما هیت ارتجاعی این سیاستها و عواقب زیانبار آن بر شرایط زندگی و وضعیت بوده های زحمتکشان می بین ما بر بسیاری از نیروهای مترقی و انقلابی ایران و جهان ناشناخته بود، امروز عموداً ما هیت و نتایج این سیاست در داخل و - نفعه در صفحه ۲

مکتب: روابط ایران و پاکستان در فضای فضای ایران

## در چهلمین روز شهادت رفیق شهید اسکندر صد هاتان از فرزندان خلق قهرمان لرستان دستگیر شدند

پنجمین هفته گذشته، بمادف با - چهلمین روز شهادت رفیق شهید اسکندر بود و مردم قهرمان لرستان خود را برای هر چه با تکوین تر برگزار کردن این مراسم آماده می نمودند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که مرا سم با تکوین تدفین و هفت رفیق را مشاهده کرده بود از شرکت گسترده مردم برای مراسم چهلم و هفت داشت در مدد جلوگیری از برگزاری مراسم برآمد. رژیم زسحرگاه روز پنجم ۸/۲۱ - کلیه روستاهای بخش چفلوتدی را توسط نفعه در صفحه ۶

### خلقهای قهرمان

### زحمتکشان مبارز

### بها خیزید

### قانون خود را بنام کنید

در صفحه ۲

در این شماره

- شهادت مهماه ۱۳۶۰
- جنبش کارگری
- اخبار مدارس
- گزارشات روستائی

## وضعیت کنونی و تاکتیکهای ما

(۳) درباره وظایف و تاکتیکهای ما

در صفحه ۷

مرکز بحزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان



### خلقهای قهرمان و زحمتکشان...

... تنهاست که در میهنمان نمایان خون  
و جان به بر صحنه است، روزیم برده های -  
قا نونیت خود را به کناری زده است و -  
حاکمیت خود را بر اعمال قهرمیران بسز  
توده ها استوار کرده است. هر چند که این  
تنها قانون امپریالیسم است، دیگر حتی  
قانون انسانی ارتجاعی در بره سندی -  
بوج وسی ارتش بدل شده است، چرا که  
تدوین قانون انسانی در تواریخ دیگری  
از نیروهای طبقاتی انجام گرفته و اینک  
توازن دیگری برقرار است. از اینروست  
که رژیم لازمی به رعایت قانون ارتجاعی  
خود سزیمیمید، جان و مال و مویس -  
توده ها اینک در معرضی پوششگان درنده،  
رژیم قرار داده است. ابتدائی ترین حقوق هر  
انسان بشکلی و فیصحا به پایمال میگردد،  
هیچکس در خانه، خیابان، مدرسه، کارخانه  
اداره و در هیچ کارگاه زنده جلادان نیست  
یک تن توری در همه جا جولان میدهد، خانه ها  
بشم، میریزد، ماشینها را تفتیش میکند،  
تأثرین را میگردد، هر عقیده ای اگر به  
طبع جلاد خونین نیاید در پی خود زندان را  
دارد، و اسارت از پی خود اعلام، اینک دیگر  
هیچکس این نیست، جلاد حتی به توکران  
خود سزیمیمتازد، حتی اکثریتیان -  
چالیوس را سزا عدا می کند، توده ها  
را از اسیر میکنند و در تبعید میگردانند، ماشین  
اعدام رژیم دیورگی نمی پذیرد، جوخه های  
اعدام بر سینه ملتسین و جاسوسان خائن  
نیزار چنان میفرزند که بر سینه های ستمبر  
قیرومان، رژیم همچنان خون میریزد.  
اما تمامی این اعمال رژیم در عمل  
به توده ها نشان میدهد که قانون یعنی چه؟  
توده ها هر روز، با هر اعدام، با هر بیوروش  
با هر سرکوب و کشتار زبیش در -  
میایند که قانون کاغذی را به بیست  
نیست که تنها اعمال سلطه طبقاتی بسز  
طبقه دیگر را رسمیت میبخشد. توده ها  
در میایند که قانون تنها با اتکا به زور،  
با اتکا به قهر و با تکیه بر نیروهای  
سلطه است که معنی مییابد و بدون آن -  
کاغذ بی ارزشی بیش نیست، هر آنچه  
امروزه بر جاسوسان میگذارد، تمامی این  
کشتار خونین و این سرکوب و وحشیانه  
قانون است، قانون سرما به اداری وابسته،  
قانون امپریالیسم، تمامی این -  
بی قانونی، قانونی است که سرما به را  
برپا نگه میدارد و حیات استعمار را تداوم  
میبخشد، قانون اعدام، کشتار، تجماع و  
شکنجه، قتل کودکان، سوزاندن خردسالان  
در دین شکم مادران، قانون تفتیش عقاید  
و اسنور، قانون اختناق و سرکوب، -  
قانون سرما به، قانون امپریالیسم -  
توده ها بیش از پیش و اینبار در عمل  
در میایند که سلطه در دست پاسداری است  
که بدست سرما به داران اجیر شده، تا سلاح  
در دست ارتشی است که از خلق بیگانه  
است، تا سلاح در دست ارگانهای است  
که قدرت سرما به را اعمال میکنند، قانون  
سرکوب خلق برقرار است، قانون پایمال  
حقوق توده ها برپا است، قانونی که هر -  
اعتراضی در مقابل استعمار و رژیم مقابله  
یا غارت را با کلوله و طاب با دریا سنج  
میگوید.  
توده ها بیش از پیش در میایند که  
قانون واقعی را نه سخنان شیرین، نه  
وعده و وعیدهای توخالی، نه شیرین

### فاشیگرهای...

تقیه از صفحه ۱  
خارج شده است که جنگ دولتهای ایران و  
عراق آغاز شده از آن تن از توده های مردم  
میهن ما کشته و زخمی شدند، میلیونها تن  
در حالی که از رهبری و زندگی با قسط شده اند،  
آواره و در بدر رویا لایحه میلیاردها شروت  
ملی یا بنا بودی کشیده شد و با صرف هزینه  
های گمراهی این جنگ گردید، همین -  
سیاست تجار و زکا را به رژیم با کمال کمال -  
گون کشورهای دیگر از جمله افغانستان از  
ادامه یافت، دولت ایران با حمایت از  
مرتجعین افغان که در سرپرستی آنها به  
امپریالیسم آمریکا کمترین تردیدی -  
وجود ندارد، کنکهای مالی و تسلیحاتی،  
حتی آموزش نظامی و ارسال نیروی نظامی  
کمک آنها به تنها دست به تجار و اشکبار  
و اندام مستقیم در امور خلقها دید کرد.  
بلکه عملاً بصورت کامل اجرای سیاستهای  
امپریالیسم آمریکا و در عمل تدویر -  
حاکمیت مردم زحمتکش میهن ما زبر پا -  
بحران کنونی هستی و زندگی خود را از  
دست میدهند، و فقرسای پای جامعه را  
فرا گرفته است، میلیاردها ریال به  
مرتجعین افغانستان کمک میکنند و هزینه  
آوارگان افغانی را نیز بدوش مردم -  
میهن ما انداخته است.  
رژیم تاکنون کوشیده بود تا ما این  
سیاستهای ارتجاعی و ماجراجویانه خود  
را در زیر پوشش دروغین مبارزه ضد  
امپریالیسم نشان دهد، بلکه در همان حال  
این طرح تنها بعیان ترین شکل -  
سیاست دخالت در امور ملتهای دیگر را  
بنمایش میگذارد، بلکه در همان حال  
در کنار رژیم مرتجعین کستان ما هیبت  
ادعای ضد امپریالیسمی خود را نیز  
بر نمایش داد.  
رژیم جمهوری اسلامی در این طرح  
خود با تفاق شریک با کستانی اش در  
حقیقت همان طرح امپریالیسم آمریکا را  
در زمینه گمراهی سازا شده میگذارد، رنگ  
سومیکوئیک دولت مذهبی را بتوده های  
مردم افغانستان تحمیل کند و از سوی دیگر  
شروهایی، مسلط با کستان فدا مییابند  
یک دولت ضد امپریالیسم است! دیگر از -  
تمامش همین دولتهای فدا امپریالیسم را  
ضامن بقانون دولت قرار دهد.  
رژیمی که تاکنون مدعی بوده علیه  
همه امپریالیسمها و مرتجعین جهان مبارزه  
میکند، امروز همه برده ها را کتا میزند و در  
کنا ریگی از مرتجعترین و سرسپرده ترین  
رژیمهای منطقه یعنی دولت با کستان -  
طرح امپریالیسم آمریکا را برای حل مسئله  
افغانستان ارا شده میدهد و در اینجا سست  
که این طرح در عین مسخره بودنش ما هیبت  
رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا -  
میکند.



زیبائی های "زهران" بلکه زور سلاح  
برپا میدارد، با این تجارت روزمره، با  
این نمونه های متعدد، با بیش از ۳۰۰۰  
اعدام، با بیش از ۱۸۰۰۰ انقلابی  
اسیر، آدمی با بدگوریا شد تا زهد دل به  
قانون و قانونیت رژیم خوش کند، باید  
گوربا شد، و با خائن - که با زهد دل به  
اعلامه های ۱۰ ماده ای دادستانسی  
سندند، در پی سنج بدو و برای لایحه  
اراضی شهی کف بزند، با بدخائن باشد  
- و با کور - که هنوز بدنبال رفورمهای  
رژیم با سرور و نودویا بدمخائن باشد  
و همگور که بین از اینهمه اعدام و کشتار  
و دستگیری انقلابیون و حتی پس از اعدام  
چالیوسان و مجبورگوان رژیم دستگیری  
سدها پس از خائنین با زهد ملتسین  
خواهان اجرای قانون گردید. اما اینک  
هر چند خائنین تا تمام توان قانونیت  
رژیم را فریب ندیدند که توده ها چشم میگردانند  
و در میایند که قانون رژیم قانون -  
سرما به اداری، قانون استعمار کارگران  
و قارت خلق است.  
اکنون زمینه آماده است توده ها  
با گوشت و پوست خود مدخلی بودن قانون  
رژیم جمهوری اسلامی، قانون سرما به را  
لغو کرده اند. اینک با بدیه توده ها گفت  
"بنا خیزید، قانون خود را بنا کنید، با بد  
به توده ها گفت تنها قانونی که بر قدرت  
لازال خلق متکی باشد حافظ منافع  
شماست، با بدیه توده ها گفت اینبار با بد  
سلاح در دست شما با شد چرا که تنها قانونی  
که بر سلاح توده ها متکی باشد پاسداری  
منافع خلق است.  
با بدیه توده ها گفت دشمن مسلح است، و با  
اتکا به این سلاح است که قانون توحش  
خود را بر جاسوسان و گرداننده های مسلح  
شوم، دشمن متشکل است پس متشکل شویم  
تنها با شکل و تسلیح است که میتوان -  
قانون خلق را برپا داشت، با بدیه  
مجلس مؤسسان را به میان توده ها برد  
با بدگفت تنها مجلس مؤسسانی که -  
نه ایندگان را ستین خلق که در انتخابانی  
آزاد و همگانی برای مخفی برگزیده شده  
با شدند در شرکت کنند تا درست قانونی  
در جهت منافع خلق برپا دارد، و در شرایط  
کنونی، هر آنچه را دیگر، هر نیروی دیگر  
هر وعده و وعید دیگر، هر چند شیرین، فریبی  
بیش نیست، با بدیه توده ها گفت کس  
مجلس مؤسسانی اینچنین تنها و تنها بر  
خلق مسلح متکی است، خلقی که با قهر  
انقلابی خود رژیم ارتجاعی را سرنگون  
سازد، و گرنه هر مجلس دیگر، مجلس  
خبرگانی بیش نخواهد بود.  
اینک هرگونه تسلیح رفورم، هرگونه  
دل بستن به اطلاع از "بالا" هرگونه دعوت  
به تسلیم و سازش تنها و تنها به قانونی -  
رسمیت میبخشد که سرسبزها استعمارگران  
استوار است، پس با بدیه توده ها، سرگ  
بر ساز زکاران، مرگ بر سلاح طلبان،  
مرگ بر رژیم فدا خلق، زنده باد انقلاب،  
اینک هر آنکس که از قانون و قانونیت  
رژیم میزند خائنین به توده ها ست، هر آنکس  
که توده ها را به تمکین فرا میخواند و  
آنان را از شکل و تسلیح بازمیدارد -  
خائن به خلق است، هر آنکس که میکوشد  
راهی بجز انقلاب، بجز کسب قهر آزادی -  
قدرت بیش پای توده ها قرار دهد در صف  
پاسداری رژیم قرار گرفته است، امروز  
هر آنکس که بر علیه انقلاب نیست بر علیه  
آنست.

## استقلال - کار - مسکن - آزادی



### جنس گاوگری



تهران  
 "با ساران مزدور و کارگران ایران یا سا...  
 را، نگه می‌دارند...  
 تو...  
 و اما زیباترین رفاها، کارگران به این بانک...  
 مرا جمع کرده و از شب قبل (۶۰/۸/۲) برای...  
 گرفتن شماره (برای قرعه‌کشی) در صنف...  
 طوئلی به انتظار ایستادند، ساعت ۶ صبح...  
 در آنجا زینا دورتر از کم مرا جمع‌کنندگان...  
 (حدوداً ۵۰۰ نفر) نظم صف بهم می‌خورد...  
 در این هنگام با سارا مزدوری که با مطلع...  
 حفاظت آنجا را برعهده داشت به سوی کارگران...  
 آتش می‌گشاید، در این حادثه سه کارگر...  
 مجروح می‌شوند (یکی از ناحیه سرو ۲ تن از...  
 ناحیه ساق پا و کفاله ران) حال کارگری...  
 که از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار...  
 گرفته بودند فوراً محل را ترک کرده و...  
 گرفته و خیمه‌گزارش شده است. با ساران...  
 مزدور که مورد خشم و نفرت کارگران قرار...  
 گرفته بودند فوراً محل را ترک کرده و...  
 حفاظت را به شهریارانی می‌سپارند.  
 کارخانه ساکا

کارخانه صنایع فلز واقع در جاده کرج  
 تعداد کارگر ۱۲۰۰ نفر (در دو کارخانه)  
 (وابسته به زمان گسترش)

در تاریخ ۲۰ مهرماه موقعی که کارگران  
 به کارخانه می‌روند (صبح) با لیستی که  
 به درووردی نصب شده بود برخورد میکنند.  
 که در آن مدیریت ۱۶ نفر از کارکنان را که  
 اکثر کارگر بوده‌اند تا بررسی پرونده  
 - ها تعلق نموده و رویداد کارخانه را  
 نداشته اند در برابر اطلاعیه آمده بود که  
 این ۱۶ نفر عموماً با سارا نسبت به ستاخیز  
 وابسته به رژیم گذشته و گروه‌ها هستند.  
 کارگران وقتاً با این مسئله برخورد...  
 میکنند بطور خود بخودی یکی از کارگران  
 که نامش نیز در لیست نبوده اعتراض می‌کند و  
 می‌گوید که چرا امروز اینها را اخراج  
 میکنند فردا تویت خودمان است و نباید  
 بگذاریم اینها اخراج شوند چون اتهامات  
 بی اساس می‌باشد. بجهت این با یک حرکت  
 خود بخودی جوکارخانه متشنج میشود و  
 با ساران آن منطقه به کارخانه می‌آیند،  
 ولی با اتحاد همه کارگران که مواجسه  
 میشوند هیچ اقدامی نمی‌کنند. کارگران  
 مدیریت و انجمن اسلامی را وادار می‌کنند  
 گذاشتن مجمع عمومی می‌کنند و در مجمع  
 عمومی انجمن اسلامی شیدا "مورد حمله"  
 کارگران قرار می‌گیرد. لازم به توضیح است  
 که مدیریت صنایع فلزی اخراج (بعد از  
 از پیروزی حزب بر لیبرال‌ها از طرف  
 حزب به این بست گمارده شده و قبلاً در  
 جهاد کار می‌کرده (در زمان مجمع عمومی  
 دوفرا از اعضای انجمن اسلامی شیدا " از  
 طرف کارگران مورد ضرب قرار می‌گیرند  
 و بقیه هم زحمله قرار گرفته بودند و مدیریت  
 که واقع را خراب می‌بینند. بلافاصله عقب  
 نشینی می‌نمایند و می‌گویند شیدا شده و با  
 اتحاد کارگران، کارگران اخراجی به کار  
 باز می‌گردند.

۶۰/۷/۲۸ - کارخانه تیگ تاک طرح  
 طبقه بندی جدیدی از طرف اداره کار  
 می‌آید و مورد مخالفت اکثر کارگران قرار  
 می‌گیرد و در نتیجه به مورد جرایم می‌آید  
 و طرح کارگران مورد موافقت قرار می‌گیرد  
 که به اجراء آید.  
 کارخانه بیونیون - کارگران مبارز  
 کارخانه بیونیون سود ویژه خود را طبق  
 روال گذشته ۴ ماهه ۲۰٪ رزطبق محاسبه  
 ۶ ماهه دریافت کردند.  
 کارگران کارخانه و اشترمتحاد سه  
 خواستار افاضه شدن حقوق شدند که در ۶  
 ماهه اول افاضه شود. مدیریت کارخانه  
 ابتدا به بهانه نبودن یکی از مدیران  
 نپذیرفت ولی کارگران کارخانه با  
 تهدید به اعتصاب و جلوگیری از خروج  
 تولیدات کارخانه، مدیریت را وادار به  
 تسلیم کردند، کارگران متحدانه ۴۵۰ -  
 تومان افاضه حقوق می‌خواستند ولی  
 با لایحه موفق به اخذ ۳۰۰ تومان افاضه  
 حقوق گردیدند. این موفقیت کارگران  
 به دلیل اتحاد یکپارچه آنان و تصمیم  
 قطعی آنان برای رسیدن به موفقیت بود.  
 کارخانه فرش پارس - کارگران برای  
 دریافت سود ویژه ۶ ماهه و لایحه مدیریت  
 مراجعه می‌کنند ولی مدیر کارخانه و شور  
 و انجمن اسلامی (جبهه ضد انقلابی)  
 این پیشنها در رد می‌کنند چندان از  
 کارگران اعتراض می‌کنند که ما احتیاج  
 داریم و طبق قراردادمان هر ماه هفت  
 یا بیست درصد سود، که مدیریت و یادی  
 آن کارگران معترض را تهدید به اخراج  
 و تحویل دادن به سپاه می‌کنند، کارگران  
 به علت مشکل نبودن وقتاً "عقب  
 می‌نشینند و فردای آن روز در پشت سالن  
 نوشته شد "کارگران متحد همه چیز"  
 کارگران متفرق هیچ چیز  
 با امید به روزی که کارگران برای تحقق  
 خواستهای بزرگتر و خواستهای سیاسی  
 خود متفقاً این شعار را بدهند.

۶۰/۷/۲۹ - کارخانه پوش -  
 یکی از کارگران کارخانه پوش ضمن  
 ترک محل مسکونی خود به مقصد محل کارش  
 توسط دو نفر مسلح عضو سپاه (در لباس  
 میدان دستگیر می‌شود. کارگر مذکور ابتدا  
 مقاومت نموده و سپس شروع به دو فریاد  
 می‌کند و می‌گوید: "ها ای مردم من هیچ  
 کاره هستم می‌روم دنبال روزی درآوردی  
 ولی اینها می‌خواهند مرا ببرند" در پاسخ  
 رابطه مردم آن حوالی به کوه ریخته  
 و به سمت کارگر و فرار می‌آیند.  
 افراد سپاه با مشاهده مردم صحنه را ترک  
 و متواری میشوند.

"اعتراض کارگران شرکت واحد"  
 در تاریخ ۶۰/۸/۱ هادی نورثیس  
 مکتبی شرکت واحد توپوسرا نی -  
 بخشنامه‌ای به کارکنان این شرکت  
 صادر نمود، مطابق این بخشنامه هیچک  
 از کارکنان، حق ندا زید مسافرینی را که  
 وسایلی به همراه داشته باشند، مسافر  
 نخواهند.  
 اما کارکنان توپوسرا واحد بدون  
 توجه به این بخشنامه به کار خود ادامه  
 می‌دهند زیرا که معتقدند چنین کاری رودر  
 روشی با مردم است که هیچگونه مکانی  
 جهت حمل و نقل وسایل مورد احتیاج خود  
 را ندازند.  
 عدم توجه کارکنان به این بخشنامه  
 سبب گردید که هادی نورثیس از توپوسرا  
 رژیم، هادی از کارگران را از کار  
 نماید، بدنبال اخراج هادی از کارگران  
 شرکت واحد، بقیه کارگران و کارکنان  
 بقیه در صحنه ۴

۶۰/۷/۱۷ - در کارخانه ایران دو جرح  
 سه تن از کارگرانی را که در روز گذشته  
 مسلحانه در تهران به مرخصی رفته بودند  
 بازداشت و به زندان اوین منتقل نمودند  
 این کارگران از محبوبیت نسبی در بین  
 کارگران برخوردار بودند.

۶۰/۷/۱۷ - در کارخانه ایران دو جرح  
 اساسی ۱۵۰ تن از کارگران اخراجی تهیه  
 کرده و قرار است در آینده نزدیک آنها را  
 از کار برکنار کنند. مقاومت متحد و یکپارچه  
 کارگران می‌تواند مانع از انجام این  
 اقدام رژیم گردد.  
 ۶۰/۷/۱۷ - سپاه با ساران طی  
 اطلاعیه‌ای خیلی مخزمانه از مدیران  
 کارخانه‌جات خواسته تا کارگرانی را که  
 به مرخصی می‌روند شیدا کنترل نمایند  
 و اگر هر کارگری در روزهای درگمی  
 شهری و تظاهرات اعتراضی توده‌ها علیه  
 رژیم به مرخصی می‌رود تحت پیگرد قرار  
 می‌گیرد و مدیران موظف به معرفی آنها می‌باشند.  
 ۶۰/۷/۲۸ - کارخانه تیگ تاک - در  
 روزی که خط‌کشی برای سخنرانی آمده بود  
 کارگران که می‌دانستند خط‌کشی برای  
 محکوم کردن نیروهای انقلابی می‌خواهد  
 سخنرانی کنند در سخنرانی شرکت نمی‌کنند.  
 جا سوسان انجمن اسلامی که متوجه این  
 حرکت کارگران می‌شوند به سپاه اطلاع  
 می‌دهند که مسبب این مسئله ۴ نفر از  
 کارگران هستند و سپاه می‌آید و آن چهار  
 نفر را دستگیر می‌نماید و بطور وحشیانه  
 به سپاه می‌برد و فردای آن روز نیز ۴ نفر  
 دیگر از کارگران را دستگیر می‌کنند که تا  
 تاریخ ۶۰/۸/۱ از وضعیت آنها اطلاعی در  
 دست نیست.







اعتراف به...

سیاست های این دونهاد که به قول مجله تا به امروز تحت سلطه ایالات متحده و سایر مراکز صنعتی (سرمایه داری) است موجب آن شده که "فالمه بین ما لک فقیر" یعنی که همواره وسیع بوده، طی دهه های گذشته بیشتر شود. مثلاً "ما لک صنعتی فقط یک پنجم جمعیت جهان را دارا رند، اما ۷۹٪ از درآمد جهان را دارا اختیار خود دارند." (مجله تا به ۲۰ نوامبر ۱۹۸۱)

سیاست های نهادهای یاد شده موجب آن شده که وضع بولی کشورهای در حال توسعه بیشتر به و خاست گراید. بویژه - بحران تجارت سرمایه داری جهانی که بر اثر حمله ایست امپریالیست ها از محدودیت های بازرگانی به سود امپریالیست ها تشدید شده است و نرخهای گزاف بهره سر اوضاع اقتصادی مما لک به اصلاح در حال توسعه تا شیری ویرانگر داشته است. کسری تراپرداختهای ارزی ممالک "در حال توسعه" (بجز ممالک ما درکننده نفت) از ۳۷ میلیارد دلار در ۱۹۷۸ به ۸۴ میلیارد در ۱۹۸۰ رسیده است و برآورد های ابتدائی نشان میدهد که در سال جاری به ۱۰۰ میلیارد دلار میرسد. از این رو بود که مما لک "در حال توسعه" برای مقابله با این بحران خواستار آن شدند که صندوق بین المللی پول میزان انتشار "حق برداشت ویژه" (SDR) - پولی که مینوعاً توسط صندوق بین المللی پول ایجاد میشود - به مقدار ۱۰ میلیارد SDR افزایش یابد، در حالی که رقم کنونی مربوط به سه سال اخیر حدود ۴ میلیارد بوده است.

این تقاضا ها هیچ وجه تا زنیست. حدود ۲۰ سال است که مما لک فقیر خواستار افزایش کمک مالی بوده اند، لیکن امپریالیست ها بویژه آمریکا با استغناء از حق و توی خود در این دونهاد مانع از برآورد شدن این خواسته ها شده اند. لیکن طبق قراردادی صندوق بین المللی پول، برعکس، طرز توزیع SDR متناسب با سهم هر یک از ۱۴۰ کشور

عضو صندوق است (تذکره دیدیم که کشورهای شورای همپاری سوسیالیستی - کومکون - عضو این صندوق نیستند) و همین شیوه توزیع منابع و امکانات مالی جهان است که تا برای ما لک در حال توسعه را نسبت به ممالک بزرگ سرمایه داری افزایش میدهد. قسمت اعظم اعتبارات صندوق مذکور نصیب خود ایالات متحده میشود بطوری که در سالهای انتشار حق برداشت ویژه، دریا فتنی ایالات متحده تقریباً برابر با دریا فتنی کل حدود ۱۰۹ کشور بوده است. بدین مناسبت است که مما لک عضو صندوق و بانگ جهانی خواستار تجدید نظر در منشور صندوق و توزیع منابع اعتباری متناسب با نیازهای ممالک خواهان کمک (بر خلاف روش جاری که متناسب با سهم آنان در صندوق است) شده اند.

در اجلاس اخیر، مما لک "در حال توسعه" خواستار شرایط ساده تری برای تامین اعتبارات بود. این خواسته ها به جهت اینست که در شرایطی که شرایط و مواظبت ها در تجارت بین المللی ناشی نشده است. اما نکته، جایگزینی و شمشین نیست "صندوق" و "بانگ" این است که امپریالیستها معمولاً در برابر خواست های ممالک تحت سلطه می گفتند که "این مما لک باید خودشان به خودشان کمک کنند"، چرا ما جور آنها را بکشیم اما اکنون که حتمی سوسیال دمکرات های اروپائی (نظیر پرونوکراسکی، میتران، ویلی برانت و دیگران) نیز متفقدند که افزایش اعتبارات به خود ممالک سرمایه داری کمک میکنند تا از بحران خلاص شوند (از مقدمه ویلی برانت برگزارش کنفرانس شمال - جنوب - چاپ گالیماریا ریم ۱۹۸۰). امپریالیست های بزرگتر اعتراف می کنند که خود امپریالیست ها مشکلات اقتصادی عظیمی روبروست و در نتیجه نمی توانند "توقعات غیر واقع بینانه" (اصطلاح الکساندر هیک) ممالک تحت سلطه را برآورند.

۲۹ دسامبر ۱۹۸۱) این سخنان ادعای مریح به و شوکتگی امپریالیسم است. در حالی که مفسران - اقتصاددانان امپریالیست میگویند افزایش و امها و اعتبارات اعطائی توسط نهادهای مذکور موجب افزایش تورم میشود، سخن ریگان اشاره غیر مستقیم به رکود اقتصادی عظیمی است که در انگلیس رقم خورده است. امپریالیستی بوده است، ریگان در نطق خویش خواستار آن شد که ارزش پول جاری کشورهای در حال توسعه "کاهش یابد، بودجه تقاضا در جهت توسعه، کاهش یابد، بریکاری و گرسنگی دامن بزنند.

با پدید آمدن ورشکستگی در دونهاد مذکور همواره در مقابل ما خواست ممالک فقیر برای افزایش اعتبارات متوجه همین بهانه شده اند که افزایش اعتبارات تورم فزونی میگیرد، لیکن آگاهان جهان اقتصاد دمی دانند که این تقاضا در جهت رشد تقسیمات در تجارت بین المللی، ناشی نشده است. اما نکته، جایگزینی و شمشین نیست "صندوق" و "بانگ" این است که امپریالیستها معمولاً در برابر خواست های ممالک تحت سلطه می گفتند که "این مما لک باید خودشان به خودشان کمک کنند"، چرا ما جور آنها را بکشیم اما اکنون که حتمی سوسیال دمکرات های اروپائی (نظیر پرونوکراسکی، میتران، ویلی برانت و دیگران) نیز متفقدند که افزایش اعتبارات به خود ممالک سرمایه داری کمک میکنند تا از بحران خلاص شوند (از مقدمه ویلی برانت برگزارش کنفرانس شمال - جنوب - چاپ گالیماریا ریم ۱۹۸۰). امپریالیست های بزرگتر اعتراف می کنند که خود امپریالیست ها مشکلات اقتصادی عظیمی روبروست و در نتیجه نمی توانند "توقعات غیر واقع بینانه" (اصطلاح الکساندر هیک) ممالک تحت سلطه را برآورند.

در چهلمین روز...

مردورانش محاصره کرده و یک اکیب متشکل از ۱۵۰ - ۲۰۰ نفر با زور و ستمی زاده گان رفیق را محاصره کردند، با ندادن به خاطر، رفیق حمله ور شدند و خانه های دیگر روستا شان را در جستجوی اسلحه با زور میگرداند. مزدوران محل قیصر رفیق را از روستا شان سئوال میکردند و حتی از چند به خواسته بودند تا در ازای دریافت پول محل دقیق قیصر بگویند. ولی همه ابرازی اظهاری میگردید. پس از باز زور از خانه رفیق کلبه جوانان را دستگیر کردند. برخورد قهرمانانه زنائی که در آن لحظه در خانه بودند و بخصوص برخورد جسورانه مادر رفیق در مقابل به با پاسداران تحسین برانگیز بود. صدای بلشویک و ارما در رفیق در لحظه ای که پاسداران سلاحهایشان را به سوی او نشانه گرفتند بود. نرمان آتش میدادند و قرا موش نشدنی است. او به زبان لکی خطاب به پاسداران سرمایه قریب دمیزد: یا با بدما راهم بپیریدویا مسن نمیگذارم چونانما در دستگیر کنید ما را از مرگ نترسانید. پاسداران پس از دستگیری این جوانان روستا را ترک کرده و از روستا های دیگر منطقه شدند. از سوی دیگر از زمان صبحگاه پنجشنبه کلبه خانه خائی را که به روستای گرزگل

ختمی شد، از جاده های بیروجر و خرم آباد گرفته تا کلبه روستای بیخ چغلوئندی و سایر روستا ها را بسته بودند و هیچ کس از آن عبور و مرور نمی دادند. تنها ۲۰ - ۳۰ مینی بوس که حا مل خلق قهرمان لر بودند و از خرم آباد دعا مل روستا جهت شرکت مراسم بودند متوقف و سببای از آن شهیدان آزاد دستگیر نمودند تا جایی که مردم تهیه کرده بودند در جاده ها گردید. عین همین حرکت برای مردم بیروجر در روستا های اطراف آن که عازم منطقه بودند تکرار شد. علاوه بر همه اینها، در قبرستان رفیق که در آن دفن بود سه پاسدار مسلح گماشته بودند تا مانع کوچکترین تجمع گردند. در این تنها جم گسترده صدها تن از اقوام و آشنایان و دستداران رفیق کبیرمان دستگیر شدند. تعداد دستگیر شدگان به بیان - نشانه نگار استقبال پر شور مردم برای شرکت در مراسم و تلاش دیوانه و روزیم برای جلوگیری از آن بوده و همچنین بیاننگر و حشمت روزیم از برگزاری این مراسم بود. مراسم چهلمین روزشمارت رفیق گرز که برگزار شد، اما آموزش گسترده و وحشیانه روزیم موجب گردید که برحق بودن راه - پرافتخار رفیق برای بخشهای وسیعتری از خلق مسلم گردید و با رفیق و رسالت او آگاهانه، راهش را در دل خلقها و بخصوص خلق زحمتکش لر شعله ور کرد. با دشمن گری ما

ما از تیرمزدور سرمایه ترسی نداریم ما مثل آفتاب روشن هدفی نداریم هدف ما نه آزادی ریاست و مقام، حرف ما آزادی زحمتکشان است ما با بدعزاران اسکندر "سیا مک" را فدا تا نقشه سوسیالیسم را بنا کنیم خرم آباد: از یک کارگرینا، به مناسبت شهادت فدائی کبیر رفیق سیا مک امدیان اسکندر

زندانی سیاسی آزاد بیدار گردید  
تکلیف و اختیارات با یو دایر کرد  
تکلیف و اختیارات با یو دایر کرد  
تکلیف و اختیارات با یو دایر کرد

### وضعیت کنونی و ...

ما در نخستین بخش این مقاله اوضاع عمومی سیاسی جامعه ایران و وضعیت لحظه کنونی جنبش را مورد بررسی قرار دادیم. در بخش دوم این مقاله در باره خصلت تعرضی تاکتیکیهای پرولتری سخن گفتیم در بخش سوم این مقاله به بررسی تریبون و تاکتیکیهای نیروهای انقلابی میپردازیم.

ما تا کنون مکرر در نوشته های خود به واقعیت تردیدناپذیر خودویژگی جامعه ما در دوران پس از قیام که محصول نیسبه کاره بودن انقلاب و عدم شکست قطعی آن بوده است، یعنی کما کما انقلاب و ضد انقلاب آشکار کرده ایم. تا کنون بیش از چند ما بر این خودویژگی به ویژه از زاویه درک درست وظائف و تاکتیکیهای نیرومندی انقلابی بوده است. این خودویژگی که محصول نوعی توازن نیروهای انقلاب و ضد انقلاب بوده است، و نمیتواند به نفع مدتی طولانی با پایداری زمان فزاینده قیام و وظیفه قطعیت بخشیدن به نتیجه نهایی انقلاب را در دستور کار هر دو نیروی انقلاب و ضد انقلاب قرار داده است. هماکنون که ضد انقلاب اساسی ترین وظیفه خود را شکست قطعی انقلاب قرار داده است، اساسی ترین وظیفه نیروهای انقلابی نیز تکمیل انقلاب بوده است. از این رو اهمیت وظائف و تاکتیکیهای ما میبایستی در خدمت تحقق این وظیفه باشد در پیچیده ترین شرایط سیاسی که از یک سو توده های مردم خواهان حفظ دست آوردهای انقلابی خود و تداوم انقلاب با تغییرات هرچه اساسی تر بودند و از سوی دیگر اکثریت آنها به حاکمیت اعدای ما ناآگاهانه نهدا شدند، با اتخاذ تاکتیکیهای مناسب استعدا در جهت برهم زدن توازن نیروها به نفع انقلاب و علیه ضد انقلاب بگوئیم تا تنها خود را برای یک شکست قطعی آماده سازیم. طبیعی است که در اینجا نخستین وظیفه ما میبایستی ابقان و اقمیت متناسب و پیچیده را درک میگردیم که توده های مردم در زمان حال که خواهان تداوم انقلاب و تغییرات هرچه ژرف تر بودند به حاکمیت جدید توهم داد شدند، و بنا بر این در پی سرنگونی فوری آن نبودند، اما از این واقعیت که اکثریت توده ها نسبت به حاکمیت متوهم اند نتیجه نمی گرفتیم که بیس فاعل انقلاب خوانده شده است و دیگر وظیفه ای بنا به وظیفه تکمیل انقلاب وجود ندارد. پس تاکتیکیها و شعارهای ما باید منطبق با شرایط شکست انقلاب باشد. خیرا ما با درک تضاد میان دو جنبه نتایج انقلاب، اجتناب ناپذیری درگیریهای شدید و با در نظر گرفتن پتانسیل بسیار قوی انقلابی توده ها، و گامی بی مفرط آنها با انجام دستاویزها به اتخاذ تاکتیکیهای بردا خنیم که بدون آنکه مستقیما شعار سرنگونی حاکمیت را طرح کنیم، توده ها را به رودروشی مستقیم با حاکمیت و حتی نبرد مسلحانه با آن میکشاندیم و در همان حال که صورا نه علیه آن تبلیغ میگردیم، بی اما آنرا در میان توده ها افشا میگردیم، و توهمات توده ها را نسبت به آن درهم می شکستیم. فی المثل ما با طرح این شعار که زمین آزان گمان نیست که روی آن توهمات زده اند، از آنجا که میخواستیم که زمینها را مصادره کنند و شورا تشکیل دهند ما در همان حال به خوبی واقف بودیم که در این نقطه مداخله انقلاب به رودروشی مستقیم با هدفنا ن کشیده خواهد شد.

هنگامیکه حکومت مانع از ابتکار انقلابی دهقانان می شد، و حتی بفرقه علیه آنها متوسل می شد، از دهقانان میخواستیم که مسلحانه از دست آوردهای انقلابی خود دفاع کنند. ما بدون آنکه مستقیما به حاکمیت حمله کنیم، از خلقهای تحت ستم میخواستیم که در راه تحقق خواسته های برحقشان مبارزه کنند، با آنها می گفتیم اکنون که انقلاب شده است، با بدحسب تعیین سرنوشته خلقها بعنوان حق مسلم شما بر رسمیت شناخته شود و هنگامیکه حاکمیت در برابر این خواسته های برحق خلقها قرار می گرفت و حتی بفرقه ضد انقلابی علیه آنها متوسل می شد، از آنها میخواستیم که بفرقه انقلابی علیه حکومت متوسل شوند و خودمان نبرد شاد و دوش آنها مبارزه میگردیم. ما بنا بر کارگران می گفتیم اکنون که انقلاب کرده ایم، شما باید از آن بایده گورشان را نگذارید. آنها را با کارخانه راه ندهید، شورا تشکیل دهید و کنترل را بر عهده گیرید و هنگامیکه آنها در جهت تحقق این خواسته های برحق خود گام بر میدارند، حکومت با آنها بیگانه می شود و برمیخیزد، و بسرعت توهمو اعتقاد کارگران نسبت به حکومت درهم می شکست. بنا بر این با اتخاذ این تاکتیکیها - مناسب و درک شرایطی که اتخاذ این تاکتیکیها را امکان پذیر می سازد، ما میخواستیم که کوشیدیم که موازن قوا را به نفع انقلاب برهم زنیم، انقلابی را که در نیمه راه متوقف شده به پیش رانیم و حتی توده ها را به دفاع مسلحانه از دست آوردهای انقلاب و تداوم آن دعوت کنیم و توهم توده ها را نسبت به حکومت درهم شکستیم. این همان تاکتیکی افشای صورا نسبه حاکمیت است، که تا مدتها محور تاکتیکیهای ما را تشکیل میداد. ویژگی این تاکتیکی در آنست که علیرغم خصلت تعرضی خود، به خاطر توهم توده ها نسبت به حکومت مستقیما سرنگونی آنها را طرح نمی کند. اما این تنها یک وظیفه ما نبوده است. وظیفه دیگری که از درک این خودویژگی ناشی می شود، آمادگی برای نبرد قطعی یعنی تدارک قیام بوده است. ما در نوشته های گذشته تا کنون به مسئله تاکتیکیها اختصای یافته است به ویژه در مقالات "رژیمهای انقلاب ایران و خودویژگی شرایط کنونی" و "سازمان فدائیان خلقهای فدائیان" و "وضعیت کنونی و وظیفه ما در دوران پس از قیام".

ضمن تاکید بر این مسئله که بسیج سیاسی توده ها و سازماندهی مبارزات و اعتراضات آنها عمده ترین وظیفه نیروهای انقلابی در خدمت امر تدارک و تکمیل انقلاب می باشد، ضمن اشاره به این مسئله که انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده است، شکل انقلابی جنبش از زمین نرفته است و بسا تحلیل گرایان عمومی وضعیت اقتصاد و سیاسی جامعه در دوران انقلابی، خصلت و مضمون انقلابی بحران، و احتمال وقوع یک قیام مجدد، با این وظیفه بسیار مهم اشاره کردیم که تدارک قیام به صورت امری کلی، فی المثل گردآوری یک ارتش سیاسی در دوران رکود و مسالمت بلکه بصورت امری عاجل و فوری یعنی علاوه بر تدارک سیاسی، تدارک نظامی برای قیام، رودروکار و نیروهای انقلابی قرار دارد. ما در نوشته "با اشاره به شیوه برخورد لنین نسبت با این مسئله گفتیم: "و (یعنی لنین) تا زمانی که مستعد بود یک دورانی انقلابی وجود دارد تا زمانی که معتقد نشده بود، انقلاب با شکست قطعی روبرو شده است و ما دام که شکل عالی تر مبارزه انقلابی را اجتناب ناپذیریم بهر حال احتمال ترین آن میدانست و احتمال وقوع یک قیام

مجدد وجود داشت، از تدارک قیام، سازماندهی جوخه های رزمی و عملیات رزمی سخن میگفت. اما گویا این وظیفه بعد از دنیا له روان جنبش خود بخودی یعنی گمانیکه همیشه شعارهای تاکتیکی - شان "لنگ لنگان در پس رویداها" - می کنند پس از بر و زهر خا دنه با رویداها منطبق میگردد و بقول لنین "جنبش استبداد می کند، هنگامیکه یک دوم است و وجود دارد، اما از دو ما حفات خواهد کرد، هنگامیکه اعتبار و قیام وجود دارد، از اعتبار و قیام حمایت خواهد کرد، اما تا قبل تداوند و در نیستند معین کنند که آیا این با آن شکل جنبش - اجتناب ناپذیر است" (گزارشی در باره کنیز و خدمت حزب سوسیال دمکرات) - کارگری روسیه (خوش نیا مده است و راه کارگری بعنوان سر دسته این دنیا له روان جنبش خود بخودی، هراسان فریاد بر می آید و در که تدارک قیام یعنی چه؟) کجاست قیام که ما برای آن تدارک ببینیم؟! اصلا جوخه های رزمی یعنی چه؟! ذهن گرا شیت رستم است؟! البته رفقای کارگردمان حال که با آداب و آیین جملات را تکرار می کنند با لاشعریه بخواننده توضیح نمی دهند و از پاسخ مشخص با این مسئله طفره می روند که "ولا" اساسی ترین وظیفه ما در دوران پس از قیام چه بوده است و تا "تدارک قیام" چه شرایطی مجاز است. با این وجود ما لازم میدانیم که علیرغم اراتی که تا کنون با این مسئله داشته ایم، ما جنبه های این مسئله را روشن کنیم و بر رفقای راه کارگردمان دهیم که چگونه یکی از وظائف اصلی ما در دوران پس از قیام تدارک برای یک قیام مجدد بوده است.

تدارک قیام بمعنی چه و در چه شرایطی باید برای یک قیام تدارک دید؟

هنگامیکه جنبش توده ای دوران رکود و مسالمت را پشت سر میگذارد و دوباره در دوران انقلابی می گردد، هنگامیکه عمده بودن شکل قانونی جنبش از زمین میروند و شکل انقلابی جنبش عمده میگردد، هنگامیکه یک بحران انقلابی جامعه را فرا میگیرد و چشم تدارک شکل عالی تر مبارزه - اجتناب ناپذیر و با بقول لنین محتمل ترین آنست، هنگامیکه انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده و احتمال وقوع یک قیام مجدد وجود دارد، تدارک قیام بصورت امری ضروری و فوری در دستور کار سازمان انقلابی قرار میگیرد و علاوه بر تدارک سیاسی عمومی برای قیام، باید تدارک نظامی قیام نیز برداشت.

کسی که حقیقتا "قیام" ما را برداشته باشد و نخواهد با قیام مبارزه کند و صرفا با کلمات بازی نکند، باید بداند که همه جانبه از جنبه سیاسی و نظامی برای یک قیام تدارک ببیند، تا بتواند یک قیام سازمان یافته را رهبری کند. اما متأسفانه در جنبش ما کم هستند که با قیام ایما برداشته و از جنبه های مختلف در راه تدارک آن بکوشند. اما راه مشخص در این مورد به رفقای راه کارگردمانست که علیرغم سینه ای که بر او انقلاب جاک می دهند، از اعتدالی انقلابی دم میزنند، شعارهای انقلابی بلاواسطه را بر زبان می برند، و از خصای و بحرانی بودن شرایط و ضرورت هرچه فوری تر تدارک با دمکراتهای انقلابی بمنظور سرنگونی حاکمیت سخن میگویند، اما در عمل حتی یک گام عملی و جزئی در جهت آنچه گفته بقیه در صفحه ۸



وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۷

میگویند برنمیدارند، و بیایم نیز عقاید نداشتند، آنها در مورد هر آنچه که نشاندهنده احتمال وقوع یک قیام است سخن - میگویند، اما با تعجب و حیرت از ما میپرسند: تدارک قیام یعنی چه؟ مگر ما در "آشنای قیام" قرار گرفتیم؟ ایستادن نمونه تئوریک افرادی که میزان حرفشان و عملشان فرستادها فایده است و بقول لنین عملاً "هیچگونه اعتقادی به قیام ندارند، زیرا وقتیکه تدارک قیام بنی شود، آنگاه هرگونه صحبت دربارۀ "اعتلا انقلابی" و غیره ذالک جز جرس رفتن جیز دیگری نخواهد بود. رفقهای راهکار را بر گردن ما گذاشتند، "جوخه های رزمی" را "قلیت سکنای ریسیم و الگوبرداری مطلق" نه تنها بی اعتقادی خان را به حرفهای که میزنند عبرت نماند، بلکه در همان حال گوشیدارند، با ارائه یک دیدان تحریفی وظایف ویژه نیروهای انقلابی را در هر مرحله تنها مل جنبش مخدوش کنند.

رفقای راهکار رگرمعتقدند که تنها در یک موقعیت انقلابی با دستدارک قیام پرداخت، اشتباه اساسی این رفقها از آنجا منشا میگیرد که "اولاً تصور می کنند، دوران انقلابی همان موقعیت انقلابی است و نه تنها "لحظه مناسب برای قیام" و لحظه ضروری برای تدارک قیام را یکی میگیرند، در حالیکه در یک دوران انقلابی لااقل باید دو مرحله را از یکدیگر کاملاً تفکیک نمود. هنگامیکه هنوز یک اعتلا محدود وجود دارد، و بحران سیاسی بطور کامل نرسیده است، و هنگامیکه اعتلا سرسری و بردا منه فرا میرسد و بحران بنیهای رسیدگی خود میسر نیست، بنیهای انقلابی تبدیل میشود، در حالیکه در مرحله اول وظیفه پیش آهنگ است که با درک دورانی که آغاز شده، خلعت انقلابی بحران، جسم اندازانگال را لایتر ما رزوه توده ای و احتمال وقوع یک قیام تدارک قیام برپا زد، و بودا میا گسترده تر شدن اعتلا این تدارک را تشدید کند. در مرحله دوم یعنی هنگامیکه موقعیت انقلابی فرا میرسد، در پی یافتن لحظه مناسب برای قیام تدارک قیام میباشند، و ما در تکل قولی که در بخش دوم این مقاله زینین آوردیم نشان دادیم که چگونه و چگونه هنگامیکه میگویید بیرون آریا باید قیام را در لحظه آغاز کرد و حکومت در دشواریترین وضعیت و نارضایتی توده ها در آنها خود را خود را، موقعیت انقلابی را با لحظه قیام بیرون میزند و مرتبط میداند.

حال اگر در این مسئله تردیدی نیست که پیش آهنگ باید هنگامیکه موقعیت انقلابی فرا میرسد، از هر جهت آماده و مترصد لحظه مناسب برای آغاز قیام باشد، پس تدارک قیام مل سیاسی و نظمی قیام پیش از آغاز آن امری مسلم است. و این تدارک قیام نمی تواند در یک دوران رکود سیاسی و یا در لحظه آغاز قیام آغاز گردد بلکه با فرا رسیدن یک دوران انقلابی آغاز میگردد، ما از آنجا که کاملاً اطمینان داریم رفقهای راهکار گریسادی حاضر نمی شوند به اشتباهات خود، اعتقاد کنند و نظرات احزافی خود را بدور بریزند، زیرا این امر درست راهکار گریسادی ندارد، بنا بر این با زهم مجبوریم که با ذکر مثالهای ساده و توسط به تجربیات انقلاب خودمان این مسئله را به رفقهای راهکار رگرتشان دهیم که تدارک قیام یک چیز است و لحظه آغاز قیام چیز دیگر. اسم که تدارک قیام بمعنای اخص

کلمه یک حیطه وسیع وظایف سیاسی - نظامی را از تدارک سیاسی نیروهای انقلاب تا تدارک نظامی برای قیام را در بر میگیرد و آنچه که مورد اعتراض راهکار گریست یعنی ما زماندهی جوخه های رزمی تنها یک جز تدارک نظامی قیام محسوب میشود، یعنی دیگر کسی که حقیقتاً "نخواهد قیام ما را ز کند با بد" علاوه بر تدارک سیاسی عمومی قیام بغوریت راهکار گریست تدارک سیاسی نیروهای انقلابی از جمله دمکراتهای انقلابی باشد، یعنی یک جبهه برای - سرکونی حکومت تشکیل دهد، بخشهای رزمی و نیروهای مسلح رژیم را آماده قیام کند، فعالیت خود را در میان آنها، به ده و صد بار افزایش دهد، تدارک ما را می بیند و چون این تدارک صرفاً از طریق حسی عضویت و کمکهای مالی تا مینمیشود، - آغاز به معنای مالی کلان بویژه از صندوقهای دولتی نظیر بانکها بزنند. همچنین منظور ما ده کردن سلاح برای لحظه آغاز قیام، تدارک سلاح نیست، دوست به معنای تسلیحات بزنند، مسلح کردن مردم را آغاز کنند، طرح نقشه های نظامی را آماده کنند، آموزش نظامی را بحران - حسی توده ای و آماده کردن آنها را - برای لحظه قیام آغاز کنند، چون بسیاری از وظایف ذکر شده نیاز به افراد با تجربه و کارکنان دارد، ما بدو جوخه های رزمی سازماندهی خود را در آن فکسون - نظامی و بحران را برپا میزنند و در - سراسر نظامی آماده شوند، با یاد از - برورسما رودر - جلوی خود بویژه برپا این - سرسرحری اربدارک برای قیام محسوب میشود. و روشن است که انجام این وظایف که سرسرحری در دوران رکود و مبارزات سیاسی و اجتماعی - با برپا است - آغاز احزافی این وظایف از هنگامی است که یک دوران انقلابی فرا میرسد، حال - ای چند لحظه فرض کنیم که ما در یک - رفقهای راهکار گریست رهسودهای آنان عمل کنیم و فوراً رسیدن موقعیت انقلابی را که در اساس ما با بد مترصد لحظه مناسب برای قیام هستیم، نقطه آغاز تدارک قیام بدانیم، "سینم در آن صورت چه پیش خواهد آمد؟

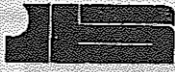
ما قبلاً گفتیم که ز سال ۵۶ یک دوران انقلابی با یک اعتلا محدود آغاز میگردد از ۱۷ شهریور یعنی در یک نقطه عطف موقعیت انقلابی فراهم میشود در ۲۲ - یعنی یک قیام مسلحانه خلق میا انجامد. حال فرض کنیم که رفقهای راهکار گریست نه در موقعیت کنونی بلکه در موقعیت بلشویکهای روسیه در انقلاب ۷ - ۱۹۰۵ قرار دارند و میخواهند جنبش را رهبری کنند و با یک قیام میروز متدارک تدارک قیام انجام میباشند، رفقهای راهکار گریست ۱۷ شهریور به بعد در همان حال که مترصد لحظه مناسب برای قیام اند تدارک قیام را بصورت امری عاجل و فوری در دستور کار قرار میدهند، با تمام توان خود در جهت تدارک سیاسی قیام گام بر میدارند. یک بلاتفرم انقلابی حصول انقلابی ترین، اناسی ترین و مشخصترین خواستهای توده ای مردم که نتوانستند وسیع ترین بخش توده ها را بسیج کنند، آرا که میدهند، بطرح شعارهای انقلابی بلاواسطه میریزند، و از مدعا کرده - دمکراتهای انقلابی میشوند، با یک اتحاد رزمی با آنها متعقد میزند، شروع تدارک ما را تسلیحاتی برای قیام میکنند، سازماندهی جوخه های رزمی، آموزش نظامی

این جوخه ها را که یکی از مهمترین اجزای تدارک قیام محسوب میگردد که بدون آن رهبری جنبش توده ای در هنگام آغاز قیام ناممکن است، آغاز میکنند و ... و میخواهند همه این وظایف را در مدت - فی المثل چهار ماه انجام دهند، اما مسأله هنوز رفقهای راهکار گریست را از جهت تدارک قیام آغاز نگذاشته اند، و اگر بحث با آنها برپا شد، وقتی المثل مجاهدین خلق یک قیام تا بهنگام را آغاز میکنند تا گمان که در ۲۲ بهمن خود توده ها دست به یک قیام خود انگیخته خواهند زد و خمینی نیز در این قرار خواهد گرفت، آیا و قیام رفقهای راهکار گریست فکر کرده اند که انجام این همه وظایف سیاسی نظامی بهنگام میسر لحظه ممکن است یک قیام آغاز گردد، یا لحظه مناسب قیام فرا برسد و در آنها نیست چهار ماه بطول انجامد تدارک را که - بلکه از حزب بلشویک نیز تا حدی نیست؟ بنظر ما این درک احزافی رفقهای راهکار گریست در آنجا نیست که تدارک قیام و لحظه آغاز قیام را یکی میگیرند و میخواهند در مدت چهار ماه - تدارک سیاسی - نظامی قیام را بسینند. آنها حتی قادر نخواهند بود که جنبش جوخه رزمی، "جوخه" رزمی بمعنای واقعی کلمه آماده کنند، البته ممکن است این وقتاً برپا گمانند که تدارک قیام را نزدیک مسأله جوخه های رزمی آنهاست، تدارک رفقهای راهکار گریست، اما کسی که دست در کار ما شل با خود دارد، تدارک قیام را از ما صد جوخه رزمی یعنی جوخه های رزمی که با هدف تدارک رهبری توده ها در قیام آینده سازماندهی می شود، با یاد زهر - حسی تا بستگی این رهبری را گسب کنند.

آیا میتوان بدون سازماندهی جوخه های رزمی برای یک قیام تدارک دید؟

لین در آنجا خود تئوری را پیش خود انگیخته میگوید: "فرا بردین امر که قیام و تدارک برای آن ضروریست و در همان حال به مسئله جوخه های رزمی تحقیراً مسخر خورد کرد (هما نگویند که سونه می نویسند، از قورخا نه و بریدگرفته شده است) بقیمیده جرت زدن و قیامدان تفکر برپا مون نوعه های خود است" او در پاسخ به کسی که تدارک قیام را میسوزند، اما از برپا ربا زماندهی جوخه های رزمی، تا نه خالی میگردند، و به مسئله جوخه های رزمی تحقیراً میسخر خورد میگردد، با تسخر بر خورد میگرد و میگفت این افراد در برپا مون گفته های خود تعمق نگردانند، زیرا سازماندهی جوخه های رزمی جز لاینجزای تدارک قیام محسوب نمیشود، و بدون این جوخه ها رهبری قیام آمیخته ناممکن است. تدارک این وظیفه نیروهای انقلابی در دوران انقلابی و بویژه درک خود ویژگی جامعه ما پس از قیام و احتمال وقوع یک قیام مجدداً است که ما در مقام "سازماندهی جوخه های رزمی" گفتیم از آنجا که ما در یک دوران انقلابی بسر میبریم و دوران رکود و مسأله لغت قیام نرسیده است و خلعت بحران کنونی انقلابی است و از آنجا که انقلاب به شکست قطعی نینجامیده و احتمال وقوع یک قیام مجدود وجود دارد، با یاد برپا زماندهی جوخه های رزمی بعنوان جز لاینجزای قیام تا کید کنیم. این جوخه ها باید در بقیه در صفحه ۹





### وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۸

فنون نظامی متبحر شوند، با ملاحضاتی مختلف آشنا شوند، دست آورد، طرز ساختن بمب را بیاموزند و در حین انجام عملیات نظامی، شهادت، تجربه، بصیرت نظامی را بیاموزند. فنون جنگ پارتیزانی را بیاموزند. این جوخه‌های رزمی بقبل لنین باید "خود را به بهترین وجه مسلح کنند" و بویژه جوخه‌های هوادار - وابسته تحت هیچ شرایطی نباید منتظر دریا افتد جنگ از منابع دیگر از بالا، اطراف و یا از خارج باشد، خودتان باید همه چیز را بدست آورید" (وظائف واحدهای ارتش انقلابی) آنها با پدرهبران خود را انتخاب کنند، با بدست بکار رتوریک و عملی بزنند، مطلقاً از نظامی را آغاز کنند و کار عملی شان قبل از هر چیز باید متکی به تدارک همه جا نباشد برای خود - جوخه‌های رزمی باشند. اهمیت این جوخه‌ها برای تدارک قیام آنچنان است که لنین حتی در باره‌ای مواردا فرط کاریهایی آنها را نیز مبهم نمیداند. او که بخوبی میداند، نسبت به سازماندهی جوخه‌های رزمی تا چه حد دشوار است و می‌بیند که پس از گذشت شش ماه هنوز یک بمب ساخته نشده است، بخاطر این کمبود شدیدترین - انتقادات را به مسئولین حزبی می‌کند. او در نامه‌ای به کمیته‌ی سن پترزبورگ می‌نویسد "جوخه‌ها باید بی‌فروغیت با انجام عملیات، آموزش نظامی را آغاز کنند. بعضی با ممکن است فوراً کشتن یک جاسوس و یا ضربه وارد آوردن به یک ایستگاه پلیس را عهده‌دار شوند، دیگران برای مصافحه بولشوی دولت برای قیام به بانک حمله کنند، عده‌ای دیگر نقشه محلات را آماده کنند و یا تدارک ببینند و غیره. اما مسئله اساسی اینست که بی‌شمار فوریت آموختن از پارتیک واقعی آغاز گردد. از این محلات آزمایشی ترسیمی نداشتند، البته ممکن است - انفرطاطی صورت گیرد، اما این ضرورتی ندارد، بگذارید هر گروهی بنیاموزد، اگر فقط با ضربه وارد آوردن به پلیس باشد، یک دوچرخه یا در همین حدود - قریبانی، پیش از آن، این واقعیت جبران می‌شود که این امراضه جنگجوی مجرب آموزش میدهند که فراموشی را فراموشی نغز را رهبری خواهند کرد." (به کمیته‌ی سن پترزبورگ) البته باید در نظر داشت که در اینجا تا کمیته‌ی سن پترزبورگ و احدها و حتی چشم پوشی از انفرطاطیهای آنها با این علت است که شرایط پیش از آن فراهم است که بخوان، فقدان این جوخه‌ها را جبران کرد و با سازماندهی آنها چشم پوشی نمود. اما ما در مقاله "سازماندهی جوخه‌های رزمی و اهداف حدود وظایف، خلقت عملیات و اهداف رزمی این جوخه‌ها را بدقت روشن کردیم و تا آنجا که ممکن بود گوشه‌ای با رهنمودهای خودمان از انفرطاط کاریهایی جوخه‌های رزمی شوم، ما در اینجا منظور رفع هرگونه شبهه برای افرادی نظیر رفقای "راه کارگر و ترسیم یک خط و مرز روشن با انحراف برآورد و انحراف به چپ، برآوردگی و سازماندهی این جوخه‌ها برای قیام آینده بوده است (بمعنی آینده‌ای نامعلوم، بلکه آینده - ای نزدیک) تا کمبود و خلقت، مضمون و اهداف عملیات رزمی جوخه‌های رزمی را که بدون آن سازماندهی جوخه‌ها - های رزمی هیچ معنایی ندارد، توضیح دادیم، اما با استناد به نوشته‌های

لنین گفتیم که خلقت عملیات رزمی - جوخه‌های رزمی "سازماندهی آموزش و تربیت رهبران جنبش توده‌ای برای قیامی است که قیام توده‌ها آغاز میگردد، آنها با بدستجوی آموزش ببینند که بتوانند در شرایط قیام، توده‌های وسیع مردم را رهبری کنند و قیام را شروع کنند" غافلگیرانه و تنها چینی را پیش ببرند - اهداف قوری آنها را "مبارزه جدی علیه باندهای سبزه، درهم کوبیدن سازماندهی آنها، حمله به ارگانهای سرکوب، ترور انقلابی رهبران باندهای سبزه و خاستن به خلق، مصادره‌های مالی، ناممکن سلاح و ... ذکر کردیم. اما چنین بنظر میرسد که رفقای راه کارگر و لا" نتوانسته اند خلقت و اهداف عملیات رزمی جوخه‌های رزمی را درک کنند، و آنها را از خلقت و اهداف عملیات رزمی که ما هدایت می‌کنیم سازند و تا "نیا" را از آنچه ما در آینده با سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی را با خلقت و هدفی که ما با آن اشاره کردیم درک کنند، بناچار از یکسوا زایل - قضیه طفره رفته اند و از سوی دیگر به تحریف نظرات ما دست زده اند. آیا تا کید بر ضرورت سازماندهی جوخه‌های رزمی به معنای تا کید عملیات نظامی مجاهدین خلق است؟ "راه کارگر می‌نویسد: "رفقای اقلیت بجای اینکه با آموختن از لنین بطور مشخص روشن سازند که رابطه توده‌ها و میزان شرکت آنان در این عملیات بطور عینی و نه در آرزوگونه است؟ - استدلال می‌کنند که این عملیات تا کید "کار یک مشت روشنفکر جدا از توده نیست" پس درست است!! (تا کید از ما کید است) حال رفقای راه کارگر چگونه با این نتیجه رسیده اند و هدف آنها از این تحریف آشکار چه بوده است، مسئله است که خود آنها با پدیدان یا سکویند. اما ببینیم اصل قضیه چیست؟ ما هنگام صحبت از ضرورت تشکیل جوخه - های رزمی و توضیح خلقت و هدف عملیات رزمی، پس از آنکه به شرایط عمومی سیاسی جامعه ایران و وظیفه ما مطالبه کردیم، به منظور توضیح این مسئله که تا کید کتیک عملیات رزمی از ذهن پیش آهنگ بیرون نیا مد و زمینه‌های مادی گرایش با عمل قهر توسط توده‌ها در خود جا می‌ماند و وجود آنها - تا - توجه به اینکه فقط احتمال یک قیام - وجود دارد و با توجه به اینکه محتملترین چشم انداز زبروز شکل عالی تر می‌آورد است، چگونه عملیات نظامی انجام - خواهد گرفت و هدف از انجام آنها چیست؟ خود ویژگی شرایط پس از قیام، عدم شکست قطعی انقلاب، کشاکش انقلاب و فدا انقلاب سبب شده است که ما در دوران - پس از قیام علیرغم رکودهای موقتی در مبارزات توده‌ها تا حدی در ترسین درگیریه و برخوردی با مسئله، - قیامهای محلی، عملیات پارتیزانی و ترور و ... باشیم. با بعد از این درگیریهایی مسلحانه تا بدان حد است که میتوان با قطعیت گفت، در سراسر این دوران که هنوز بنیاد ماده در یک جنگ داخلی تمام عیار از یکسویین انقلاب و فدا انقلاب و از سوی دیگر در دوران آردوی فدا انقلاب ادامه داده است. سراسر گردستان تا با امروز همچنان عرصه درگیریهایی مسلحانه، قیامها، و عملیات فداگیرانه، ترور و آشکال دیگر مبارزه قهرآمیز بوده است و در - آذربایجان غربی درگیریهایی مسلحانه برآکنده هنوز ادامه دارد، در طی یک دوران نیز شاهد بروز قیامها و درگیریهایی

مسلحانه در شیراز، کرمانشاه، خوزستان، گنبد، سیستان و بلوچستان، اتزاسی، آستارا، لاهیجان، باجل، فارس و ... بوده ایم. این مبارزات کاملاً خلقت توده‌ای داشته است. علاوه بر این در برخی مناطق بصورت پراکنده عملیات مسلحانه از سوی توده‌های بی سازمان به مراکز سرکوب رژیم، ترور عتراض منفور و مقامات دولتی و مصادره‌های مالی صورت گرفته است. امروز نیز ترورها و بمب گذاریهای سراسری که میتوان گفت با چنین ابعادی در نوع خود در تمام جهان کم سابقه است و نمیتوان آنها را صرفاً "کار یک مشت" - روشنفکر جدا از توده دانست به درگیریهایی مسلحانه با بعدی تازه بخشیده است، آنچه که گفته شده همه و همه بنیانگذاران جنگ داخلی و خصوصیات دورانی است که بین دو نبرد قطعی در جریان است و این درگیریهایی مسلحانه امری کاملاً طبیعی و اجتناب - ناپذیر است "سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی) هر کسی که در این نقل قول ادسی تعمق کند بهی خواهد برد که در اینجا برخلاف ادعای پوچ راه کارگر صحبت بر سر درستی یا نادرستی این یا آن عملیات نظامی نیست. ما به درست بودن یا غلط بودن جنگ گردستان جنگ گنبد، جنگ خر مشهر، عملیات مسلحانه مجاهدین خلق و ... نپرداخته ایم. زیرا اهداف این مقاله نه از رویای تک تک این جنگها و درگیریهایی مسلحانه بلکه "اولاً نشان دادن این مسئله بود که این درگیریهایی نادر در - مبارزات توده‌هاست و تا آنها گرا پیش به عمل قهر در مبارزات توده‌ها را نشان دهیم و بر این ماده و عا مه مهم با مثال بهره‌کارگر گوشیم این تاکتیک را شنیده‌ایم پیش آهنگ نیست. اما رفقای راه کارگر تنها این واقعیت بسیار ساده را درک نکرده اند، نه تنها به تحریف آشکار نظرات سازمان منوئل شده اند، بلکه فاکتهایی عینی را نیز انکار کرده‌اند و در همان مقاله می‌نویسند: "به قیام زگردستان که ما در باره آن در جنبش انقلابی فراوان سخن گفته ایم بقیه قیام" های که رفقای از آن صحبت می‌کنند، در واقع هرگز خلقت قیام نداشته و از شنیده‌های گزافی رفاست، اگر بخواهیم مبارزات و اعتراضاتی از نوع کرمانشاه انزلی، آستارا و ... را که به نظر ما هم خلقت توده‌ای داشته اند، اما مبارزاتی با مضمون بنی رژیم و در هم کوفتن چهار چوب نظام "جمهوری اسلامی نبوده اند، قیامها "شعبه رژیم‌دانه و آنها را - تا شی از بحران انقلابی و نه قانونی که بنیانگردد و اما علاوه بر موقعیت انقلابی است بدانیم. ... اگر مبارزاتی از نوع مثلاً بندرانزلی (سیستان و بلوچستان آستارا و ... ) را که به نظر ما هم خلقت توده‌ای قیام (آزادی صبر) و بعنوان رفرم در چهار چوب نظام موبو امید به تفصیلات سطحی صورت میگرفت ... خلاصه اینکه بجز یک مورد استثنای اناسا درگیریهایی مسلحانه میان رژیم و توده‌ها صورت نگرفته است و آنچه که ما بدان اشاره کرده ایم از شنیده‌های گزافی است. اولاً رفقای راه کارگر در همین جلسه بخوبی نشان میدهند که اساساً "نهمیده - اند چرا این فاکتورها طرح شده است؟ همان اعتراضات راه کارگر با این مسئله که این مبارزات خلقت توده‌ای داشته است، و شرایطی وجود دارد که مردم "بناظر حفظ دست آوردهای قیام" است - طبق اصله می‌بوند و حتی با انرا از آن - سطح و شکل مبارزه آنها چنانست که فی المثل بقیه در صفحه ۱۰



### وضعیت کنونی و...

بقیه از صفحه ۹  
بخاطر آزادی صید به نهادهای سرکوب رژیم حمله می کنند، مزدوران را خلع سلاح می کنند و شهر را در اختیار خود می گیرند، بر تمام صنایع و کسب و کاری چینی های آنها خط بطلان می کشند و پیش آهنگ را در آنجا خسانه تا کنیکها پیش بنحویسما رجالی را هفتای راه در...

انبارها را که رگ زور را نه کوشیده است از مشخص با این مسئله طفره رود که آیا با عمومی بهمن ما تا به امروز به مال مختلف و در سطوح گوناگون یک جنگ داخلی در می بین وجود داشته است یا نه؟ اگر پاسخ مثبتی است فی المثل جنگ در آن - من صراحتاً جنگ خلق کرد، جنگ خلق عرب علیه حکومت و مبارزات با رتیزاری را که در مناطقی دیگر بوقوع پیوسته است، تحت چه عنوانی جمع بندی خواهد کرد؟

بهر حال ما خود را موظف میدانیم که دوباره با این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم و نشان دهیم که تا چه حد رفقای راه کار رگ زور اشتباه میسر می برند.

می توان بر سر واژه ها مجادله کرد اما واقعیتها را نمیتوان انکار کرد

### لنین در برخورد جنگ با رتیزاری

می نویسد:  
یک مارکسیست نمیتواند بطور مطلق جنگ داخلی و یا جنگ با رتیزاری را که شکلی از جنگ داخلی است غیر عادی بنامد و معتقد باشد که در هر شرایطی این جنگ دارای تاثیر بدرومی است. مارکسیسم از موضع مبارزات طبقاتی حرکت می کند و نه از موضع صلح اجتماعی، در مراحل مختلف بحران های عمیق سیاسی و اقتصادی، مبارزه طبقاتی به جنگ داخلی منجر میگردد. یعنی به مبارزه مسلحانه میان دو بخش خلق (تا کیدا زمانه است) آری جنگ داخلی شکلی از اشکال مبارزه طبقاتی است که در مراحل مختلف بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی پدید می آید. اما برخلاف تصور رفقای راه کار رگ زور بدین معنا نیست که در یک روز معین در یک لحظه معین، دوا رتیزاری بر سر یکدیگر مرفا را می کشند و آنگاه همه توان بجای یکدیگر بیافتند. خیر آنچه که جنگ داخلی را از انواع دیگر جنگ متمایز می سازد، همانا تنوع اشکال و پیچیدگی آنست. جنگ داخلی در موقعیت های گوناگون و در شرایط متفاوت اشکال متنوعی بخود میگیرد و از بعد گوناگون برخورد را است. بهمین علت لنین در پاسخ به کسانی که این خصوصیات جنگ داخلی را درک نمی کردند، می گفت: "طبیعتاً جنگ داخلی از انواع دیگر جنگ بدین لحاظ متفاوت است که اشکال مبارزه به مراتب متنوع ترند، از بیابانی قدرت و ترکیب جنگجویان و طرف متکثر است و به مراتب بیشتر توان می کنند" (لنین - دوند)

بنابراین خصوصیت مبارزه جنگ داخلی نسبت به انواع دیگر جنگ در اینست که اشکال آن بسیار متنوع اند و بسته به شرایط متفاوت اشکال و بعدا گوناگون برخورد را است. از این رو تنها به جنگ داخلی یک هیولای است، باید شرایط مختلف را در ارتباط با اشکال مختلف جنگ داخلی در نظر گرفت. تنها به تصور کرده که مرفا یک قیام عمومی نظیر قیام ۲۲ بهمن بمعنای جنگ داخلی است

بلکه جنگ داخلی اشکال گوناگون قیام های عمومی، قیامهای محلی، شورشی مسلحانه دهقانان و شیروهای مسلح، - نبردهای موضعی و جبهه های اشکال - گوناگون جنگ با رتیزاری و... را در بر میگیرد. بویژه توجه به خصوصیت شرایط خود ویژه یعنی همان شرایطی که رفقای راه کار رگ زور در آن قرار دارند و نمیتوانند اوضاع پس از قیام را تبیین کنند، به ما اشکال خاصی از جنگ داخلی را نشان خواهد داد. فی المثل در برخی شرایط یعنی در "فواصل با لنسبه طولانی" میان دو قیام بزرگ و متباعد عظیم، مبارزه مسلحانه در اشکال متعددی بروز میکند و جنگ داخلی از ویژگیهای خاصی برخوردار میگردد. بر این اساس لنین معتقد بود که: "باید شرایط عینی مبارزه را در نظر گرفت و دانست که مراحل گذار میسازد قیامهای بزرگ دارای چه مشخصاتی هستند، باید درک کرد که در این شرایط که اینک از اشکال مبارزه صورت میگیرد، می آیند... و همچنین می گفت که "مبارزه با رتیزاری بمعنای شکل اجتناب پذیر مبارزه زمانی ضرورت پیدا می کند که جنبش توده ای در آستانه قیام قرار دارد و فواصل با لنسبه طولانی (در ترجمه فارسی "فواصل کم" ترجمه شده است، اما در متن انگلیسی کلیات آثار با لنسبه طولانی نوشته شده است) بین "سپرده های عظیم جنگ داخلی بوجود می آید (جنگ با رتیزاری) از این رو کسی نمیتواند خود ویژگیها را پس از اولین نبرد عظیم و قیام بزرگ که توده ها رژیم شاه را سرنگون کردند، اما رژیم ضد انقلابی دیگر بجای آن قرار گرفت، و ما نتوانیم تحقق خواسته های توده ها را در کنگره طبیعی بودن واجتناب پذیر - درگیریهای مسلحانه متعدد را پس از نخستین قیام بفهمیم، طبیعی است که از عهده تبیین این پدیده برخواهد آمد که چرا در این دوران درگیریهای مسلحانه متعددی که البته هیچکدام در بعد قیام بهمین ماه نیست پدید می آید و چرا حسی بنام گرفته ها و رگ زور می آید، از لنسبه بخاطر صید از دست به سلطه می برسد.

فقدان این درک است که رفقای راه کار رگ زور و امیدا زد که بگویند چرک در گستان جنگی میان خلق و حکومت پدید نیامده و همه قیامها محلی و درگیریهای مسلحانه دیگر واقعیت نداشته و ساخته ذهن خیال بردار ما بوده است! البته میتوان بر سر واژه ها مجادله کرد، اما واقعیتها را نمیتوان انکار و تحریف نمود. ما از رفقای راه کار رگ زور مرفا "اشاره ای گذرا به کردستان می کنیم و می پرسیم: آیا اساساً از قیام ما به امروز در منطقه وسیعی از میهن ما یعنی در کردستان و آذربایجان غربی جنگی میان توده های مردم و حکومت وجود داشته است؟ آیا در مقطعی کوتاه پس از قیام در مناطقی از کرمانشاه نبردهای مسلحانه ای میان حکومت و توده های مردم بوقوع پیوسته است و آیا بعداً "تیزبشکل با رتیزاری آن ادامه یافت؟ آیا کسی میتواند دستگیر بندی توده های خلق عرب را در خوزستان و کشتار زمینی را در این منطقه وسیع - مبارزات چریکی را انکار کند؟ آیا اساساً "در ترکمنستان مبارزات دهقانان و حکومت سبندی مسلحانه بوقوع پیوسته است و آیا در برخی مناطق شمالی ایران قیام های محلی بوقوع پیوسته است و خلق بقول راه کار رگ زور بطرف دست آورده ای انقلاب به مبارزه مسلحانه علیه حکومت متوسل شده است؟ آیا در برخی مناطق

استان فارس درگیریهای مسلحانه بشکل چریکی علیه حکومت و یا درگیریهای میان دهقانان و خاندانها و یا اینها "در بلوچستان وجود داشته است؟ آیا در مناطقی نظیر لرستان، فارس، سیستان و بلوچستان هر چند بطور محدود و دسته های از مردم از فرط فقر و بدبختی گروههای مسلح تشکیل داده اند و بقول حکومت به سرگردانه گیری و راهزنی پرداخته اند؟ و آیا در موارد هتعددی با پاسداران و ژاندارمها نیز بشکل چریکی درگیریهای مسلحانه داشته اند، یا نه؟ و علت بروز این پدیده تا چه بوده است؟ اگر رفقای راه کار رگ زور و قضاوتین فاکتورهای اطلاع دهنده را به روزنامه های بین از قیام تنظیم می کنند و بسبب اینند که با این فاکتورها حقیقت را در با ساخته و پرداخته ذهن مات؟ از آنجا که رفقای راه کار رگ زور ویژگیها را معما و خصوصیت جنگ داخلی را در "فواصل با لنسبه طولانی" تبیین و توضیح بزرگ درک نمی کنند، تا جایی می شود که فقط اشاره ای گذرا به کردستان، از همه قیامهای محلی و درگیریهای مسلحانه، حتی در ترکمنستان نیز چشم ببندند و سرانجام با این نتیجه برسدند که در آنزلی میباید با تفکیک دیگر مردمی که از آنها حمایت می کردند، یک شوخی ساده با حکومت کردند، به مبارزه سرکوب آن حمله نمودند، پاسداران را خلع سلاح کردند، شهر را در اختیار خود گرفتند و با زوریا عمل - انوریتها برداشتند تا اینکه با لاف و بیرونی دریا می وارد عمل شدند و مردم سرکوب شدند. بر این نمیتوان تا م یک قیام محلی نهاد، چرا که مردم بخاطر حفظ دستاورد های انقلاب دست به اسلحه بردند! و اینها نیز مبارزه مسلحانه دهقانان ترکمنستان و خلق عرب علیه حکومت انقلابی بی اهمیت است که حتی اشاره ای هم به آن نمی شود. و با لاف و تهاجم یک استبداد در کردستان وجود داشته است که البته معلوم نیست چرا از این استبداد تیزدگری به میان آمده است، زیرا که خلق کردنییز هم شه مردم آنزلی میخواستند است از دست آورده ای انقلاب دفاع کند، منتها - تفکوتش در اینست که در آنزلی مردم پس از چند روز سرکوب میشوند، در حالیکه در کردستان مبارزه مسلحانه همچنان ادامه می یابد.

پس بهینمهای تحلیلها و اظهار نظر - های راه کار رگ زور همه جا می نهد، زیرا که اولاً تبیین این شرایط با تحلیل رفقای راه کار رگ زور مورد نکست قطعی انقلاب تھا دارد. ثانیاً "رفقا درک نمی کنند که این نبردهای مسلحانه مختص یک دوران خاصی است و نمیتوانست فی المثل از دهه چهل تا اواسط دهه پنجاه پدید آید و ثانیاً "رفقای راه کار رگ زور" نهادند که قیامهای بزرگ، قیامهای محلی، نبردهای موضعی و جبهه های اشکال مختلف جنگ با رتیزاری علیه حکومتها همه در مقوله جنگ داخلی می گنجد. و اینها راه کار رگ زور را "تفهیمیده است که منظور از طرح این فاکتورها چه بوده است، حتی اگر آنها با این مسئله توجه می کردند که چرا ما به درگیریهای مسلحانه ضد انقلابیون با یکدیگر در موازاتی که توده ها تحت رهبری مرتجعین علیه حکومت حرکت کرده اند، اشاره کرده ایم منظور ما را درک می کردند، چرا که از نظر ما مهم درک این - مسئله است که باید تا چه حد علنی با عت میشود که توده ها در برخی موارد تحت رهبری مرتجعین علیه یک حکومت مرتجع و فدا نقلائی دست به اسلحه ببرند، و با لاف و چرا علیه مرفا اینکه ما از جنگ داخلی در سراسر بقیه در صفحه ۱۱





### وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۱۰  
این دوران سخن میگویم تا کتیک مسلحانه را نه یک تا کتیک عمده بلکه فرعی قلعه‌ها کردیم، (البته این به معنای نفی عمده بودن در برخی مناطق نظیر کردستان نیست) پس روشن شد که هدف ما از کتیکهای متعدد از جمله عملیات مسلحانه مجاهدین نه اثبات درستی یا نادرستی آنها بلکه نشان دادن گرایش به قهر در میان رزات مردم بوده است. حال چگونه رفقای راه - کارگزار این نتیجه را گرفته اند، که چون ما به عملیات گسترده مجاهدین اشاره کردیم پس ما بر این اعتقادیم که این کتیکها درست است؟ این آن چیزی است که زاده‌دهن خیال بردار را که رگس است، بونه فاکتیکهای مسلمی که ما با آنها اشاره کردیم.

علیرغم اینکه هدف مقاله "سازمان ندهی جوخه‌های رزمی ... این نبود که درستی یا نادرستی مبارزات مسلحانه را در دوران پس از قیام تحلیل کند، اما از بدشاشی راه کارگر ما پس از اثبات این مسئله که عملیات رزمی جوخه‌های رزمی یعنی آن یک تا کتیک فرعی ضروری و مجاز است، در اینتهای مقاله با مجاهدین خلق که این تاکتیک را مطلق یا عمده کرده اند، کاملاً مرزبندی نمودیم و نوشتیم:

"ما در اینجا در همان حال که در شرایط کنونی با انحراف بر است درون جنبش (بخوان راه کارگر) مرزبندی می‌کنیم، در مقابل انحراف به چپ (بخوان مجاهدین خلق) که بعضی تا کید بر سازمان ندهی مبارزات توده‌ها، تا کید بر سازمان ندهی اعتراضات و جنبش خودبخودی توده‌ها، تا کتیک مسلحانه را محور تاکتیکهای خود قرار می‌دهد و تاکتیکهای مسلحانه را که می‌توانند مضمون انقلابی داشته باشند، از مضمون واقعی خود تهی می‌سازد و با کوشش قیامی زودرس را توده‌ها - محصل کند، مرزبندی را بر سر راه قبول لنین و طبقه تدارک قیام البته شامل تاریخ شدن اقیام های زودرس نیز هست، برخی عملیات نظامی که در یک ماهه اخیر صورت گرفته دارای خلعت و اهدافی جز آنکه ما بدان اشاره کردیم، می‌باشند، این تصور که حکومت بسیار زود سقوط خواهد کرد، تجربه اتخاذ تاکتیکهایی می‌شود که دارای خلعت هستند و از آنجا که هنوز میسازند، رده‌ها و اتحاداتین تاکتیکها خلعتی شکاف وجود دارد، توده مردمکش و توان لازم را در قبضه نگه دارند و این را نیستند و در نتیجه رفته در میان رزات توده‌ها، میان مبارزه توده‌ها با مبارزه بزرگ با عت نظامی از خلعت و کرد، تا نیسا و حیات و ...

خلقیات توده‌ها، زود در مناطق متعدد در نظر گرفته شود، مبارزه اهداف معین شده دقیق و حساب شده باشد، از هرگونه آسیب رسیدن به توده‌ها تا آنجا که ممکن است جلوگیری شود، در حالی که ما در برخی از عملیات اخیر شاهدیم، اینست که این مسائل در نظر گرفته نشده است، تروریست غیر منصفانه می‌توانند با نگر روحيات و خلقيات توده‌های مردم و خواست واقعی آنها باشد، در یک موقعیت نا مناسب یا در یک ترور دست جمعی، نتیجه مطلوب را بر رزمی آورد، علاوه بر

این بی توجهی نسبت به اهداف تعیین شده باعث می‌گردد که حکومت منتهمای تبلیغات خود را بسوی آن معطوف دارد و بزرگ عمل نظامی نتیجه معکوس در جهت مبارزات توده‌ها و روحیات آنها پدید آید.

خلاصه تنها آن عملیات رزمی در شرایط کنونی می‌تواند مورد تائید باشد که اولاً با خلعت آموزش رهبران توده‌ها برای قیام آینده منطبق باشد و اهداف آن در جهت راهگشایی و هموار کردن راه برای مبارزات توده‌ها باشد و سرگونی فوری و بلاواسطه رزمیم، ثانیاً "تا کید بر سازمان ندهی مبارزات توده‌ها باشد و تاکتیک مسلحانه بتواند یک تاکتیک فرعی در نظر گرفته شود که تنها در خدمت تدارک قیام قرار دارد."

هرآنسان اندک با شعوری که در این باره کارگزار افکند، با سادگی در مییابد که بصراحت تاکتیکهای مجاهدین خلق رده شده است چرا که مجاهدین بعضی تا کید بر سازمان ندهی مبارزات توده‌ها تا کید بر سازمان ندهی اعتراضات و جنبش خودبخودی توده‌ها، تا کتیک مسلحانه را محور تاکتیکهای خود قرار داده اند، آنها دست به تاکتیکهای بلاکتیکستی زده اند، قیامی زودرس را آغاز کردند مجاهدین خلق با این تصور که حکومت بسیار زود سقوط خواهد کرد، با اتخاذ تاکتیکهایی که دارای خلعت سرگونی هستند و از آنجا که هنوز میان مبارزه توده‌ها و اتحاداتین تاکتیکها با جنبش خلعتی شکافی وجود دارد، توده‌های مردمکش و توان لازم را در قبضه نگه دارند تا کتیکها را نیستند، "یک وقفه در مبارزات توده‌های مردم پدید آورده اند، آنها بدون در نظر گرفتن سطح مبارزات مردم و خلقيات توده‌ها دست به ترورهای زودکننده نتیجه معکوس بسیار آوردند.

"فی المثل تروریست غیر منصفانه می‌تواند بنا بر روحيات و خلقيات توده‌های مردم و خواست واقعی آنها باشد، در یک موقعیت نا مناسب یا در یک ترور دست جمعی نتیجه مطلوب را بر رزمی آورد." "بزرگ عمل نظامی نتیجه معکوس در جهت مبارزات توده‌ها و روحیات آنها پدید آید" و بلاخره خلعت تاکتیکهای نظامی مجاهدین آموزش رهبران توده‌ها برای قیام آینده نیست و اهداف آن در جهت راهگشایی و هموار کردن راه برای مبارزات توده‌ها نمی‌باشد، بلکه دارای خلعت سرگونی هستند و بدین طریق آنها مضمون انقلابی داشته باشد، از مضمون واقعی خود تهی می‌سازند.

حال چگویی می‌تواند از این گفته‌ها نتیجه بگیرد؟ پس (تاکتیکهای مجاهدین خلق) درست است؟  
نتیجه‌ای که قادر نیست ضرورت سازمان ندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی را با خلعت و اهدافی که ما برای آن قائلیم رد کند، بناچار بشویدهای کاملاً "پورتونیستی" بتوسل میشود، دست بحریف می‌زند، مبارزه ابتدائی و بزرگ را به ابتدا می‌گذرد و نتیجه می‌گیرد (پس تاکتیکهای مجاهدین خلق) درست است!!  
اما آیا می‌توان از اینک تاکتیکهای مجاهدین خلق انحرافی و نادرست است، این نتیجه را گرفت، پس سازمان ندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی نیز نادرست است؟  
هرگردی گردون نیست

رفقای راه کارگر که همیشه مترصدند تا از هر فرصت ممکن و این یا آن شیوه نادرست دلیل و توجیهی بر اثبات نظرات انحرافی خود پیدا کنند و بقول لنین "مترسکی علیه اصولاً شرکت سوسیال دمکراتها در جنگ یا رزمی علم کنند" می‌کوشند تا از طریق اشاره به تاکتیکهای زیانبار مجاهدین خلق - هرگونه تاکتیک مسلحانه و هر عمل رزمی را - نادرست جلوه دهند، ما پیش از این در مقاله جوخه‌های رزمی می‌گفتم که این شیوه نادرست توسط این یا آن سازمان سیاسی نفی کننده و ظالمانه نیست و ما به کسی پس از اجاره رانمی دهیم که با توسل به تاکتیکهای مجاهدین ضرورت سازمان ندهی جوخه‌های رزمی را نفی کند.

امروز نیز یکبار دیگر می‌گوئیم که ما هرگونه زیاده روی و افراط را بشدت محکوم می‌کنیم، ما بر این مسئله آگاهی کامل داریم که در کارها ندهی که خوب بودند، اگر به افراط کشانده شوند ممکن است بعد از مدت معینی اجباراً به چیزهای بد و پوزیا ارتش انقلابی (لنین) و نیز ترورده، مداریم که افراط در عملیات رزمی توسط مجاهدین و خلعت و اهدافی که این سازمان برای تاکتیک مسلحانه قائل میشود، اساساً مردود است، اما هیچیک از این موارد - تبلیغی بر روی توده‌ها سازمان ندهی جوخه‌های رزمی نیست.

لنین می‌گفت: "افراط و زیاده - روی همیشه بد است و در ذهن هر سوسیالیستی کمترین تردیدی نیست که هنگام مبارزه ما ندهی عملیات چریکی احیاً سات توده‌ها با بد در نظر گرفته شود... زیاده روی - هرگز معقول نیست، اما غلط است که جنبش کارگری وجود داشته است، یک شکل مبارزه بی فایده است." (حوادث روز)

بهبتر این بود که رفقای راه کارگر یکبار برای همیشه این واقعیت را درک می‌کنند که هرگردی گردون نیست و نمیتوان از طریق نفی تاکتیکهای مجاهدین سه رزمی سازمان ندهی جوخه‌های رزمی و عملیات پدید آورده و بروهستیم که خلعت و اهداف آن از دیدگاه ما یک چیز است و از دیدگاه مجاهدین خلق اساساً چیز دیگر.

ما سازمان ندهی جوخه‌های رزمی را جز لاینحزای تدارک قیام میدانیم که خلعت و اهداف فوری عملیات رزمی آنها نیست سرگونی دشمن، نه توده‌های گون مبارزه، سرگونی توده‌ها، بلکه آموزش و تربیت رهبران جنبش توده‌ای برای قیام آینده توده‌ها و راهگشایی مبارزات توده‌ها در مؤسسه کنونیست، این سازمان ندهی در مؤسسه با درک شرایط زمانه و مرزبندی بین آغاز کرد و او را گرد کشند، می‌تواند در کردستان، ترکمن، را، جوزج... بطور عملی با فنون نظامی... در عملیات رزمی شرکت کنند، در وقت نظامی بنیاموزند، مرزبانی توجیهات ذکر شده در مقاله سازمان ندهی جوخه‌های رزمی... و رعایت دقیق آن نکات در سازمان بر این مبتداست و همیشه خود را انجام دهند، بر همین اساس است که این تاکتیک از دیدگاه ما یک تا کید بر سازمان معسوب میشود که رابطه مشخصی آنرا با شکل و مرحله تکاملی جنبش نشان میدهد و حتی در هر گاه که بکار میرود یا توجیه دقیق بسته خلقيات و روحیات توده‌ها صورت می‌گیرد، در حالی که تاکتیکهای مجاهدین خلق اساساً "بلاکتیکستی" است، آنها تاکتیک مسلحانه را بقصد سرگونی ساختن آنها در نهایت توده‌های گون مبارزه می‌کنند، بنظر من در صفحه ۱۲







# اخبار مدارس

## توسعه مدارس

دبیرستان دخترانه حکمت روز دوشنبه ۶۰/۷/۲۷ دیوار مدرسه را شعارهای انقلابی پوشانده بود. - مزدوران حزب اللهی سرانجام (انجمن اسلامی) شروع به کندن شعارها کردند و این امر وحشت آنرا را از حضور نیروهای انقلابی و شعارها نشان نشان میداد. روز پنجشنبه ۶۰/۷/۳۰ یکی از دانش آموزان را به دفتر خواستند و از خواستند که مادرش را به مدرسه بیاورد و دهنگام میکه روز شنبه مادر دانش آموزی به مدرسه آمد مهربانانه دانش آموزی را با او داده و او را بچشم شمع آرایش کرد و او را از خانه برداشته در این مورد هیچگونه مدرکی ارائه نشد و بر مبنای حدیثات خانم گلکار آمد بر مدرسه و جاسوسک - های این امر صورت گرفت. سایر دانش آموزان هنگام نشانیته از دانش آموزان با چشم و نفرت مزدوران - حزب اللهی را بیکدیگر نشان داده و آنها را عامل اخراج این دانش آموز معرفی میکردند. و این همه سیاست کلیه رژیمها - بی استقامت که مرگ خود را نزدیک می بینند. و برای حفظ چندصفا حی از حیثات سنگین خود به چنین شیوه های ردیلاته ای متوسل میشوند.

گزارش از یک دبیرستان

صبح سه شنبه ۲۱ مهر ماه مدرسه وضعی غیرعادی داشت یکی از هواداران سازمان را که تا بستان دستگیر شده بود، استخدام کرده بودند این خیرا اعتراض تمام می مدرسه را برانگیخت، وقتی شاگردان به سرکلاس میروند دبیران از درس با خبر خود داری میکنند وقتی رنگ تفریح زده میشود مدیر هم برای سخنرانی به حیاط می کشانند دانش آموزان با سکوتی یکبارچه شکل اعتراض با او برخورد میکنند مدیر میگوید " اینجا محیط آموزشی بوده و بسا مسائل بیرون ارتباطی ندارد. بچه ها بسا نباید مورد اتفاقات خارج از مدرسه برخورد کنند العمل نشان دهند چون هرآن ممکن است شما را به خاطر فعالیتها بستان در خارج از مدرسه بکشند! اما این درست نیست که هرروز به خاطر این مسائل محیط آموزشی بهم بخورد! پس از مدیر مسئول مورتیستی پشت میز کنفرانس میروند که در این موقع دانش آموزان خشم خود را بروز میدهند و او را بستان هم میکنند صحبتهای مزدوران آموزشی در میان خود کردند بچه ها تمام می شود و زگو شوی چند نفر فریاد میزنند " برآ خیز! زجان بانی کاج دشمن" و این عمل را به بار تکسیر می کنند. دانش آموزان با حرکت خود راه رفتن مداوم این افراد را در بین خود مخفی میکنند تا بدست مزدوران نرفتند. راه رفتن در حیاط شکل اعتراضی بخود میگردند و دقیقه طول میکشد پس از آن در زنگ بعدی عده ای از دبیران در اعتراض به اعلام فداشی خلق از حضور در کلاس خودداری میکنند. در پایان روز دانش آموزان جمع شده سرودی انقلابی را دسته جمعی میخوانند و بدین طریق اعتراض خود را به اعمال ضد انسانی مزدوران رژیم بیان میکنند.

معلمین بر سر کلاس میایند متوجه میشوند عده ای تیک تاک ساعت می آید معلم کلاس میگوید این صدامی چیست؟ و چندتا از - معلمین میگویند مدتی ساعت است و لسی در سر کلاس ساعت نیست که یکی از معلمین میگوید زیر نیت من ساعت است. و این ترتیب ۳ بخت ساعتی کشف میشود. بختها را به حیاط مدرسه میبرند و از بچه ها میخوانند و در کلاس خودشان برهنه و بدطبق اطلالی که به آنها داده بودند، سپاه میاید آنها را میبرد.

مدیر مدرسه شاگردها را حاضر و غایب می کند و می بیند یکی از شاگردان آن کلاس غایب است. خدمتگزار مدرسه را بدنبال آن دانش آموز میفرستد خدمتگزار به خانه دانش آموز رفته و او را با خود به مدرسه می آورد. مدیر مدرسه میبرد شاگردا به مدرسه نیا می میگوید حال خوب نبود و مدیر میگوید حال که خوب است راستش را بگو. میگوید معمولی گفتم که به مدرسه برو حال است خوب نیست و عموی محل با پدر راست. عموی محل را به مدرسه اخراج میکنند و عموی محل میگوید من مستحق گفتم استراحت کنم، مدیر میگوید لا اقل به ما اطلاع میدادند که نگهشان نیاشیم و جریبا بخت گذاری را بر سرای وی توضیح میدهد. او میگوید میدانستم، بدلم برات شده بود و مدیر میگوید بدلتان برات شده بود می گفتی لا اقل مدرسه را تعطیل می کردیم، عموی محل میگوید که من میدانستم که بخت گذاری کرده اند. این بحث بختا جریبا بین مدیر مدرسه و پادار می کشد و سرانجام سپاه میاید و میگوید خوب الحمد للهِ به خیر گذشته است دعوا نکنید، شخص بخت گذاری پیدا خواهد کرد.

حاکمیت دخلی جمهوری اسلامی - برای تحمیل بوده ها، می خواهد با نصب گذاری در مدارس و معارف عمومی ممنوع ایجاد و وضت چنین نبودند که کار نیروهای انقلابی است و حال آنکه همه مردم متوجه شدند که کار رسیده بوده است و معتقد بودند که رژیم میخواستند آنها را مثل ستمگران آبادان بوجود بیاورد.

دبیرستان رهنما - یکی از دانش آموزان بسیجی این مدرسه با سلاح وارد مدرسه شده با یکی از دانش آموزان به مشاجره میپردازد که در این میان دانش آموز دیگری دخالت نموده با وی گلاویز میشود و به او اعتراض میکنند که توجسبندنداری با چنین وضعی با دانش آموزان برخورد نمی کنی. عنصر بسیجی سلاح خود را به طرف او نشانه میبرد که به دخالت مدیر متجرب و قضیه با اخراج هر دو فیصله میابد ولی عنصر بسیجی پس از چند روز به مدرسه ساز میگردود و دریا سم شوال بچه ها منشی ترا بنگه ترا اخراج کرده بودند بطور دو - با راه آمدی؟ میگوید: من دارم جنان قدرتی هستم که میتوانم حتی مدیر مدرسه را منتقل نمایم.

## مشکین شهید

روز ۶۰/۷/۲۷ ساعت ۹ صبح حدود ۱۰۰ اعلامیه از سوی هواداران سازمان در دبیرستان منوچهری پخش شد. همه دانش آموزان اعلامیه ها را برداشته و میخوانند معلمین حزب اللهی فوراً "مدیر و بقیه را اخراج کرده و اعلامیه ها را از بچه ها بگیرند و به دفتر میبرند ما علیه رسم تلاش میسوزانیم مزدوران، تمام بچه ها را ممنوع اعلامیه مطلع شدند و همه برای یکدیگر از مطالب اعلامیه صحبت میکردند، در و در دانش آموزان فخران که زیر سخت ترین فشارها وظایف انقلابی خود در قبال خلق عمل میکنند.

## مشکین شهید

دانش آموزان دبیرستان دخترانه آری با اتحاد و مقاومت یکبارچه خود، اقدامات غیرمعمول تیک و فداکاریهای رئیس مرتجع را درهم شکستند.

روز پنجشنبه ۱۲ مهر ماه دانش آموزان کلاس ۴ نظری تجربی طی تصمیمی برای اعتراض به برنامهداده شده از طرف آموزش و پرورش بطرف ادارات آموزش و پرورش راهپیمایی میکنند. دانش آموزان که تعداد آنها در حدود ۲۷ نفر بود (قبل دانش آموزان کلاس) هنگام خروج از مدرسه با مخالفت نگهبانان روبرو میشوند ولی با مقاومت خود، نگهبانان را به گناری زده و در میزدند و باز کرده و از مدرسه خارج میشوند. راهپیمایی آرام و بدون شعار بود. رسول راه مردم از آنها علت راهپیمایی را استوال کرده و آنها نیز توضیح میدادند. در ادارات آموزش و پرورش تعدادی از مردم جمع شده و بسا دانش آموزان به گفتگو می نشینند. مدتی بعد، دانش آموزان وارد طبقه مسافران رئیس میشوند. معانور، با دستهای لرزان می پرسد برای چی آمده اید؟ بچه ها میگویند برای اعتراض به برنامه داده شده. در جواب میگویند به این مسئله نمیپردازیم و برودیش مقدم (رئیس) بچه ها اتا میمانون ترک کرده و وارد اتاق رئیس آموزش و پرورش میشوند. مقدم (رئیس) ناخالت ترس و درجالی که خود را کرده میگوید "تو ای چه آمده ای؟ شما اخلال گروا شو بگردید... اطلالی را ترک کنید، تلفن می کنم با داران بیا بید. شما جفر رجرت کرده اید بصورت دسته جمعی به این اداره بیا شد. جبار دربان اداره به شما اجازه ورود داد؟ قضی بختنا مه خدا کتره بفرستوا بندوا و در اداره شوند، اینجا را ترک کنید. وی سپس از بچه ها خواست که انانی شان را بگویند و یاد دیدن مقاومت بچه ها در مقابل شهید های خود، به مدرسه تلفن زده و از مدیر خواستار دفترشمره کلاس شد. و به معاون و مدیر مدرسه (بنت تلفن) برخاستن کرد که چرا اجازه داده اید اینها از مدرسه خارج شوند. بچه ها تصمیم میگیرند برای جلوگیری از آوردن دفتر کلاس خود را بستان را بگویند. رئیس درجا بنگه سایی را میسوزاند گفت: "در میان شما فداشی خلق و مجاهد خلق است اینها حرکت کنند! آنها را معرفی کنید بچه ها با صدای یکبارچه گفتند: "ما حرکت نداریم ما اعتراض داریم" مقدمها مناهده مقاومت یکبارچه دانش آموزان میگوید: تا اطلالی تا نوبی از مدرسه اخراج هستند" و از آنها میسوزاند که اجازه را ترک کنید و تهدید میکنند که با بستان را اخراج خواهد کرد. بچه ها ناموار کارمندان اداره دست از مقاومت کشیدند و اداره را ترک می کنند. بعد از ترک اداره به مدرسه مراجع می کنند ولی آنها زورود آنها به مدرسه توسط نگهبانان مخالفت میشود. بچه ها تصمیم میگیرند که خانواده های خود را به اداره بستانند. اکثر خانواده ها قهره در مقابل ارادله جمع میشوند ولی زورود آنها به اداره جلو گیری میشوند فقط ۲ نفر حق ورود پیدا میکنند. معانور رئیس از طرف رئیس اعلام میکنند که در تاریخ ۲۲ مهر ماه در ساعت ۴ بعد از ظهر در مدرسه جمع شوند.

روز ۱۲ مهر ساعت ۴ رئیس با ۴ پاسدار مسلح وارد مدرسه میشود. دانش آموزان سرخوردند. رئیس همچنان مسئله معرفی میگردند و از بچه ها درخواست میکرد. بچه ها ممن از اعتراض بی توجهی عقب نرفتند ۱۴













### اخبار شهرستانها

**تهران**  
در بیمارستان ناسازمان چه میگذرد؟  
این بیمارستان که در خیابان سمیه (شریای سابق) قرار دارد توسط بنیاد شهید مسازمان در اختیار گرفته شده است. این بیمارستان را بنام "بخش" تبدیل کرده اند. بنیاد شهید مسازمان در این بیمارستان چندین اتاقک ایجاد کرده است و در هر اتاقک یک نفر از بیماران بستری شده است. این بیماران را با نام "بخش" خطاب می کنند. این بیماران در هر روز صبح با یکدیگر در حیاط بیمارستان ملاقات می کنند. این ملاقات ها در ساعات مشخصی است و در این ملاقات ها بیماران می توانند با یکدیگر صحبت کنند. این ملاقات ها در ساعات مشخصی است و در این ملاقات ها بیماران می توانند با یکدیگر صحبت کنند. این ملاقات ها در ساعات مشخصی است و در این ملاقات ها بیماران می توانند با یکدیگر صحبت کنند.

**قزوین**  
در نزدیکیهای بازار پدربکی از مبارزین که اعدا می کرده بودند راه میرفت و بلند بلند فحش میداد و میگفت بنیاد شهید برای ما چه کرده است. بیرون بازار شهید ما زود کرد ما هم بنا زود کرد و حالا ما بنا شهید ما هم می کشم مردم دورا جمع شده بودند. یک نفر میگفت خودش هم کارگزار است و بیرونش هم کارگرو بود. اعدا می کردند حالا خودش را نگرفتند خوبست. بغل دستی او گفت ما هم با اعدا مثل او فریاد می کشیم نه آنکه زود جزئی می بینم در این اشتهار ما موریین با زور آمده و را بردند.  
سنگ مزار سه تن از رفقای سازمان در سالهای گذشته که در قزوین هستند بوسیله حزب اللهی ها خورده شده است. در مورد شهدای جدید و قدیم مجاهدین نیز با این عمل صورت گرفته است.  
۲۷ تن از تجار بازار قزوین که بیرون فروش هستند اقدام به تشکیل یک شرکت تعاونی کرده اند قصد خرید برنج را دارند این اقدام مسلما در آینده ای نه چندان دور انجام خواهد گرفت و در قزوین و سایر شهرها نیز برنج را به انحصار این تجار در خواهند آورد.  
تعداد زیادی از بازاریان و کمبسته چای های شناخته شده بازار شهر خراج شده اند که از روشی برای حفظ جان و ازنسوی دیگر برای دستگیر کردن نیروهای انقلابی قزوین که شهر ارتزاق کرده اند هرگز اقدام از آنها در رای آلبومی که از یکس نیز برای انقلابی هستند. تعداد کمبسته ۱۵۰ عدد است. اینها مسلح به کلت بوده و برای اعدای ارتزاق حکم خیر اندازی هم گرفته اند. به جای این عده تعدادی از بازاریان که کمبسته های قزوین را آورده اند. تعدادی نیز از افراد کمبسته قزوین به تهران برای کمک اعزام شده اند. تهران مرتبا به قزوین برای فرستادن کمک فشار می آورده است.

به این مناسبت تعطیل شد ولی فقط حدود پانصد نفر از مردم در این تفریح جنازه شرکت داشتند.  
رو بهیمرفته این عمل تا شیرمشکی روی تما می اقا مردم داشتند.  
بسیار استواران در استان اسلامی و به توسط بازاریان دفتر قدانی اسلام اردبیل و کما فروشی و وابسته به آن مهر و موم و اسلحه ها و سایر اشیاء دفتر ترخیص شده است. وعده ای از مردم در آن کن نیز از جمله ظاهر عمادی، قاتل یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق در یورش به دفتر جنبش مجاهدین دستگیر و زندانی شده اند و در فرار از آنها نیز دو شب بعد از بستن دفتر در یکی از خیابانهای اردبیل مورد اذیت گلوله قرار گرفته و زخمی شده اند. گروهی در شهر شایع شده است که این عمل بدلیل مسائل خدا خلاق از قبیل مشروب خواری افراد آن، بی ترویج فحشا و عجل نواظ و... لیکن به سبب روزنامه بنیاد ملت (ارگان فدائیان اسلام) که هفته پیش از آن صورت گرفت و به نظر می رسد که این امر بدلیل نظادهای درونی هیئت حاکمه صورت گرفته باشد. از عملکردهای این ارگان (با بهترین گویش مجاهدانه) یورش به دفتر مجاهدین خلق که منجر به کشته شدن یک نفر و اعدام شدن چندین نفر و دستگیری دهها نفر شده است. جمله به بیگانه متعصبان در اداره کارائی اردبیل. جمله به متعصبان مدارس و یورش به مدرسه دخترانه صدقه رضائی در سال تحصیلی گذشته و... که همگی این اعمال را همگی از نزدیک در ورزیدند. شش پستی این ارگان با سازمان انقلابی است. ساعت ۲۲ روز ۲۷/۱۰/۶۰ با سار رحیم داد فرمان به همراهی با سار وی بنام علی... سیزده نفر از زندانیان سیاسی را در داخل بند زندان به زندان ریخته و به شهادت رساندند. طبق اخبار رسیده این دو با سار برای آوردن سه نفر از زندانیان مزبور برای اعدام داخل زندان شده و آنها را اضا می کنند. لیکن همبندان آن سه نفر مانع برون آنها برای اعدام میشوند. گفته با سار این نام برده با وحشیگی تمام همگی آنها را بر کتف می بندند. آقا رشک جو روی بدن همگی زندانیان به عیان معنی بود.  
فردای آرزوی عده ای اعضای خانواده شهیدان که برای گرفتن جسد فرزندانشان در مقابل سزایا شده بهیما رستان دکتر قاطعی اجتماع نموده بودند به تظاهرات پرداخته و شعارهای "مرگ سوسیالیسم" و "مرگ سوسیالیسم" را می خواندند.  
در اطراف شهرک فرهنگیان منطقه ای وجود دارد که تمام جمعیت آنرا خانواده های بسیار فقیری تشکیل میدهند. اکثر ساکنین این منطقه کارگران ساختمانی و دهقانان فقیری هستند که از روستاهای اطراف به این منطقه کوچ کرده و با فروش کلیه اموال خود با سخت گلی و بلوک سرپناهی برای خود تهیه کرده اند. فقر و بی چسبزی در این منطقه پیدا می کند. اهالی این منطقه برای بدست آوردن آب آشامیدنی که یکی از مهمترین خواسته های این مجاهدان است در این شهر را می مراجعت کرده اند تا شاخه ای از این اما مزایده های معجزه ای رخ دهد. اما هر بار جواب منفی داده اند. اخیرا نیز عده ای از این مجاهدان به استناد این روشنه شهیدان نموده اند که اگر آب آشامیدنی به آن منطقه لوله کشی نشود یا شاخه ای از اینها در این منطقه کشیده نشود، در آنجا خواهند نمود. ۱۹

۵





اخبار شهرستانها

بقعه از صفحه ۱۸

کارگران و زحمتکشان این منطقه  
خواهان آب و برق هستند، اما رژیم بجای  
برآوردن اساسی ترین خواستههای آنان،  
ما هفتاد که آنها را سردوانده و عاقبت  
تهدیدیه سرکوب و بیران نمودن خانه -  
با بنیان نموده است، خانه‌های قبیله  
با آنکه چشم‌پوشی بجای فقیر و سوز  
پیشانی کارگران ساخته شده است، این  
است ما هیت رژیم که دعای حمایت

از مستضعفان را دادارانی

سفر کلیات

روز ۱۹ شهریور به مناسبت سالگرد  
درگذشت آیت الله طالقانی از طرف  
عده‌ای از جوانان شهرستانها می‌آید -  
اجرا میشود، در حین نمازها  
از ۳۰ نفر مجروح میشوند، جوانان شهرد  
این مورد شکایت تنظیم و با  
ما در آن مجروحین برای استناداری  
گرمایش، فرما نداری و شهرت شهر  
برقرار است، در این شکایت تا مه قید شده  
بوده که ما همین همگی از سیا و سیا  
با ساداران بوده اند، در طی این مدت -  
هیچگونه اقدامی در جهت رسیدگی به این  
شکایت نشده است، سیا با ساداران از  
شهربانی خواسته است که برای دستگیری  
شاکیان با سیا همکاری کند، شهربانی  
از شاکیان خواسته است که به شهربانی  
مراجعه تا به شکایتشان رسیدگی کنند،  
عده‌ای از شاکیان معتقدند که این یک تله  
است و عده‌ای دیگر که حدود ۵۰ نفر  
به شهربانی مراجعه و شهربانی هم آنها را  
به دادگاه و انقلاب گرمایش می‌برد،  
دادگاه و انقلاب گرمایش را بلافاصله  
دستور میدهد که شاکیان را فعلاً به زندان  
مغزی سیا که پیش از زندان دیزل آسان  
است ببرند، بلازمه سیا دوریت که اکثر  
ما در آن که شکایت کرده اند، پیش از  
سال سن دارند، این اقدام هم یک نمونه  
دیگر از دادگاههای عدل جمهوری اسلامی  
است،

میان دو آب

در تاریخ ۶۰/۷/۲۲ ساعت یک و نیم  
صبح مدعیان شلیک تیرها و گلوله مسلح  
مردم میان دو آب را از خواب بیدار کرد  
بدینسان تیراندازیها، اینجا رهنمایی  
در مرکز شهر، در محل خوابگاه سیا  
با سادارسانماری داد، با روشن شدن  
هوا، سایل مردم بیوس محل انفجار  
روان گردید، با ساداران اطراف خوابگاه  
و خیابانهای سیا را بسته بودند، از نزدیک  
شدن مردم بیوس محل شدیداً جلوگیری  
می‌کردند، حدود ساعت ده که ما سره  
سیا شکسته شده بود، مردم در محل حاضر  
شدند، دیوار محوطه سیا به طول چهل متر  
با خاک یکسان شده بود، شیشه‌های ساختمان  
خوابگاه و ساختمان فرمانداری و ساختمان  
- های اطراف سیا بگلی شکسته بودند -  
دود غلیظی بر روی ساختمان خوابگاه  
نشسته بود، بعداً تحقیقات معلوم گردید،  
که آنها رصمهاست سیا که در محوطه خوابگاه  
قرار داشت، منفجر شده است، در این  
انفجار چهار رده نفر از سیا هین با سادار -  
کشته و چندین تن زخمی شدند،

مشکن ش

انتخابات : مردم انتخابات ریاست  
جمهوری را تحریم کرده بودند، در تمام  
حوزه‌های رای گیری از مردم خبری نبود  
و فقط مزدوران رژیم (با ساداران و  
سیاهی ها) اکثریتی ها و توده‌های

دشمنی رژیم با کارگران

نقش کارگران مبارز صنعت نفت  
در پیشبرد انقلاب ایران بر کسی پوشیده  
نیست و همه بخاطر اینست که کمیته اعصاب  
سراسری کارگران صنعت نفت با سران  
رژیم و اعتبارات سراسری دریا لایتکا  
و موسسات وابسته صنعت نفت بود که  
آخرین ضربات و قطعی ترین ضربات را  
بر رژیم رسانید، رژیم شاه و اردشیر  
ولی همین کارگران مبارز که پس از  
نظام موقت به دست آمده‌اند، آن در جهت  
تحقق سارهای انقلاب و رجمه ایجاد  
اقدامات کارگری و مدیریت اقدام -  
نمودند و با انتخاب مدیریت از طرف دولت  
به مخالفت پرداختند، مورد خشم و غضب  
رژیم جدید قرار گرفته و دستها شکست  
انقلابی آنها را با فشارها و تهدیدات  
کوتاه از هم جدا کردند، بلکه نیروهای  
انقلابی و مبارزی که در شکل دادن این  
تشکیلات، مبارزات فراوانی کرده بودند  
را یکی پس از دیگری اخراج یا کشتاری،  
دستکاری و اقدام می‌نمودند و همه این  
اقدامات را رژیم تحت پوشش انقلاب و  
سیاه حفظ و ادامه آن انجام میدهند،  
سندزیر یکی از رهبران استادی است  
که نشان میدهد رژیم نتوانسته دیوانه وار  
در پی دستگیری و قتل و قمع انقلابیون  
است که حتی خود را زمین مبارزین  
دستگیر شده‌ها اطلاع است -  
این واقعتاً بیگانه و ضعیف فاجعه  
- آمیز حاکم بر دادگاههای انقلاب است  
و خود مختاری افراد کمیته و بسیج و هر چه  
مرج در شیوه دستگیری و محاکمات میباشد،  
در چنین وضعیتی است که مسأله  
اعدام شدگان سر به رفا مدها و حتی گاهی  
به بیش از هزار نفر در هر ماه می‌زند، در  
چنین وضعیتی است که رژیم امروز دارای  
کارکنان صنعت نفت مناطق نفت خیز  
تعمیرات از تاریخ ۶۰/۱/۱ تا ۶۰/۷/۹ چند  
نفر دستگیر شده اند و چند نفر را  
دستگیرشدگان آزاد شده اند که از سوی  
نواحی درایتمورد توضیح میخواهد،

شماره ۱۲۶ - شماره ۱۹  
تاریخ ۱۳۶۰  
محل  
مجموعه  
تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

دیده میشوند، عدم شرکت مردم در انتخابات  
بحدی بود که مزدوران رژیم سوار بر ماشین  
ها با بلندگو شده و در سطحها و کوچه‌ها  
بمجهت مردم می‌پرداختند، آنها به  
بلوغها اعلام کردند که اگر رای ندهند  
به شما سیمه قند و شکر... دادا نه نخواهند  
شد "مرد زحمتکشی میگفت: "تزدیک ظهر  
بود، در حیاط خانه ایستاده بودم که یک  
ماشین وابسته با رگه‌های یک بلندگو  
نصب شده بود، به محله آمد و توقف کرد، یک  
بازاری سرما به دارا به نام حاجی آمد  
تیریزی پشت ماشین نشسته بود و با بلند  
گو میگفت: اگر رای ندهی بدیده شما  
سیمه قند و شکر نخواهد داد، در موقع  
دادن سیمه ها به شما سادارها نگاه خواهیم  
کرد، قبل از رسیدن حرفهای حاجی تیریزی  
هیچکس توجهی به آنها نداشت ولی بعد  
از رسیدن حرفهای وی، تعدادی با شانه‌ها  
بطرف ماشین رفتند، تمام افراد زن و  
بچه بودند که بطرف ماشین می‌رفتند، من  
نمیخواستم که برای بهم مقصد بخاطر  
سیمه قند و شکر... رای اادم چون که  
اگر آنها را می‌دیدند فرزند آنها زحمتکشی  
می‌برد، البته خودم رفتم و سادارها  
را به زندان می‌آوردند،  
# سادات یکی از هواداران از چگونگی  
سرکاری انتخابات در روستای ارجی  
(۲۵ کیلومتری مشکین شهر) حوزه رای  
گیری در روستای ارجی بود و سه روستا  
را در بر میگرفت، بعد از شروع رای گیری  
تعدادی از روستائیان برای رای دادن  
آمدند، به آنها شای که برای رای دادن -  
آمده بودند گفته میشد، هر چند روستا سه  
در خانه داران یک ماهه گرفته تا مسره  
زیر خاک می‌آوردند و رای میدید، با لایحه  
با این عمل مخلقی تا نواختند ۱۵۰  
رای بدست آوردند، بعد از اینکه ساعت  
رای گیری تمام حدود ۶۰۰ رای به -  
نامهای مختلف نوشته و به صندوق انداختند  
تویت نشمارای آرا رسید، حدود ۷۵ رای  
تماماً به نام خامنه‌ای از صندوق -  
بیرون آمد، در این روستا ۱۰۰۰ نفر  
و اجد شرایط بودند که از این ۱۰۰۰ نفر  
فقط ۱۵۰ نفر شرکت کردند که ۱۰۰ نفر  
متعلق به بچه‌های کمتر از ۱۵ سال و ۱۰  
نفر متعلق به مزده‌ها بود، رای اصلی که  
حدود ۴۰ رای می‌شد متعلق به تعدادی  
از مزدوران رژیم در روستا و تعدادی افراد  
نا آگاه بود،  
# یک دانش آموز هشتاد و یک ساله :  
"شنا سادارها مردم را برده بودند رای -  
بدهم، هنگامی که او را در حوزه رای گیری  
شد از زمین پرسیدند: برای رای دادن -  
آمده‌اید؟ گفتم خودم به، شنا سادارها مردم  
را آورده‌ام، جواب دادند: خودت میتوانی  
رای بدهی، گفتیم من سیم ۱۲ سال است  
گفتند: اشکالی ندارد، دو تا برگ برداشند  
و خودشان با قلم خودشان ۲ تا رای به  
نفع خامنه‌ای نوشتند، و حتی تعدادی  
خود را می‌نوشتند،  
# آما رای که رژیم از این انتخابات  
داد حدود ۷۴ هزار نفر بود که نسبت به  
انتخابات قبلی (رجائی) ۲۴ هزار نفر  
بیشتر بود، حتی از رقم شرکت مردم در  
تعیین نظام جمهوری (آری، نه) ۵ هزار  
نفر بیشتر بود

فرزین - رفقای هوادار ما زمان در  
فرزین طی اعلامیه‌ای که بتاريخ ۷/۲۸  
منتشر کردند، با تشکلیت کشیدن ان توبوس حامل  
زحمتکشان در شیراز، تکرار فاجعه شوم  
سینما رکس آبادان این جنایت هولناک  
مزدوران رژیم را محکوم کردند،

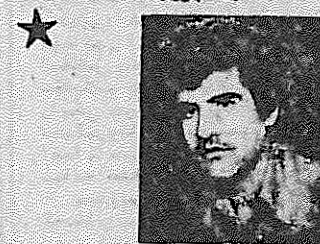
در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



### فقی شکنجه بوسیله شکنجه

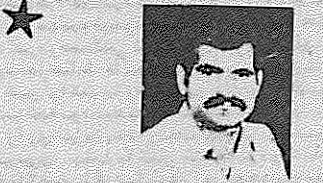
در تاسی بی که تحت عنوان افشای به اطلاع گروهکها، دوشنبه شب هفته گذشته آرتلو بزیبون بخش شد، رژیم تلافی کرده بود تا چنین وانمود سازد که درسیا هجا لیا بیس شکنجه وجود ندارد. اما این برینا مه آنتنان رسوائی جرای رژیم بیا را ورد که حتمی کرد آنتنگان این برینا مه بیزنصرتی نمی کردند. مزدوران رژیم تعدادی از جوانان زندانی در سبتمبر ۱۲ - ۱۸ سال

### گرامی یاد خاطره فدائی خلق رفیق شهید پرویز عندلیبیان



رفیق پرویز در سال ۱۳۳۹ در میاندوآب در یک خانواده زحمتکش متولد شد دوران چ کودکی خود را با توجه به وضع مالی مساعد خانواده با مشقت گذراند و تا بیست و نه ساله کارگری میبرد و تا آخر زندگی با دوره اول دبیرستان به علت مشکلات مالی خانواده تحصیل را رها کرد و به تهران رفت و مدت چند ماه به کارگری مشغول شد و سپس در امتحانات ورودی دانشسرای مقدماتی ارومیه شرکت کرده و قبول شد و این موقع بود که رفیق نیز فعلا لانه دوشادوش خلق بیست و نه ساله برخاست و هنگامیکه بوسیله اعتصابات سراسری، دانشسرا نیز تعطیل شده میاندوآب مدور نظر هرات خند رژیم شاه شرکت میکرد تا اینکه با مواضع سازمان آشنا شد و از این زمان فعالیت سیاسی خود را حول تبلیغ مواضع سازمان ادامه داد. سپس با انتقال دانشسرا به زقیان به خوی، او نیز برای ادامه تحصیل بدانجا رفت و مبارزات خود را همچنان ادامه داد. پس از اتمام تحصیل با شناختی که مسئولین دانشسرای میاندوآب از وی داشتند از استخدام او خودداری کردند و رفیق بیچاره شد. در جریان انشعاب اکثریت آگاهانه مواضع سازمان را پذیرفت و فعالیت نسبت سیاسی خود را در تبریز ادامه داد. در ۲۲ - بهمن ۵۹ هنگام حمل تشریح کا موردمسو - ظن پاسداری قرار گرفت اما موفق شد از مملکت بگریزد و به تهران میآید اما مجدداً به تبریز بازگشته به فعالیتش ادامه میدهد و در اثر سهل انگاری مسئول مربوطه در محل توزیع تشریح به همراه دور رفیق دستگیر شده و در زندان تبریز زیر شکنجه در خیسان رژیم بشهادت میرسد. رفیق فوق العاده پرشور، بی گبر و فعال بود و در انجام وظایف انقلابی هیچگاه سستی نداشت. راه تعبداد او همواره میگفت: آزودارم فدائی و از زندگی کنم فدائی و از دراه کارگران بزمگشان شهید شوم و تا هم را با ستار سرخ زیست دهند، با دش گرامی می باد

### گرامی یاد خاطره فدائی خلق رفیق شهید غلامحسین زینی وند نژاد



فدائی خلق غلامحسین زینی وند نژاد "غلام" در سال ۱۳۲۲ در یکی از روستاهای میموند شهرستان ما شیم آباد از توابع ایلام در یک خانواده فقیرکشا و زودیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی خود را در روستای مذکور با موفقیت چشمگیری به اتمام رساند و دولتی به علت فقر پیش از خدمت استقامت ادا به تحصیل بدهد. رفیق برای امرار معاش خود خوانده اش مدت چهار سال در محراب و دشت سرما و گرمای بهشتی سرگدا ر دو به اخدمت متوسط تا اتمام خدمت در جریان قیام با نام سازمان آشنا شد و پس از قیام در منطقه ایلی از هواداران آشتی نا پذیر، با خاستگی منطقه و زحمتگدان به معیاره طبقه شناخته شد بطوریکه خاری بود در چشم خان های منطقه و امیدی برای دهقانان. رفیق غلامبعنوان هواداری صادق در جهت شناساندن سازمان از مواضع انقلابی آن لحظه ای آرام نمی ماند. همین منظور به روستا می رفت و اعلامیه و تراکت های سازمان را در بین آنها پخش میکرد و شعار نویسی پروری دیوارها یکی از کارهای جالب او بود. پس از انشعاب ضمن صحنه گشتن بر مواضع و سیاستهای انقلابی سازمان و اقدام به پیشبرد آن به انشاء خط و منی سازنگاران و روپوشی غاشظین به طبقه کارگر اکثریت کمیته مرکزی می برد و ا خدمت در تبریز به ۶۰ از آموزش و پرورش اخراج گردید تا اینکه در شهر بیورشبه نه مورد پرورش وحشیانه پاسداران سرما به قرار گرفت و دستگیر شد. در مقر پاسداران در شهر رفیق در حال نیکه زیر وحشیانه ترین شکنجه پاسداران سرما به بود و از او میخواستند که اسم رفیقش را بگوید، او در جواب به پاسداران مزدور میگویی: شما وظیفهتان را انجام بدهید، وظیفه شما فقط شکنجه است. در حالیکه رفیق تمام بدنش کبود شده بود و نمی توانست روی پای خود بایستد، استقامت و پایداری و روحیه قوی او در مقابل شکنجه های وحشیانه باعث تعجب و حیرت خود پاسداران سرمایه گردیده بود. در تاریخ ۶۰/۶/۱۲ رفیق را به پیدادگاه ایلام انتقال میدهند و در پیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی شجاعانه از مواضع انقلابی سازمان دفاع نموده و حاضر به نوشتن توبه نامه و همکاری با

### بنام است خون من در دست کارگر داین است خون من در دست بزرگر

### گرامی یاد خاطره فدائی خلق رفیق شهید اصغر جزایری



رفیق اصغر در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده مذهبی، در محراب میاندوآب فعالیت سیاسی اش را از او خردوران دبیرستان در راه باطبعی محافل مارکسیستی آغاز شد. سال ۵۳ بدلیل رابطه با گروه آزمان خلق، توسط ساواک دستگیر شد. زندان شاهما زندندان رژیم جمهوری اسلامی فدائیان خلق را بزرگترین شکنجه میکشید، او نیز هفته ها در زیر شکنجه سخت مقاومت فدائیان را پاس داشت و سکوت اختیار نکرد. سال ۵۴ زندان توسط فدائیان در بند به مگانی برای آبدیده کردن کمونیستها و سایر مبارزان تبدیل شده بود. سال ۵۷ تحولی سیاسی آغاز میشد، صدای پاشی گماضرا زسالیسی پیش گویا آنرا بوضوح می شنید، همراه با رفیق دموخ کوشه خلقی که میامدرتدانش را بگشا بدو فرزندانش را در گوش بگیرد بلندتر شد و خلق او را از زندان رها کند. او از ۵۷ با گشوده شدن مجدد دانشگاه های کشور به دست رفیق در هنگام تربیت معلم فعلا لانه کار برداشت و اداره کلشهای شوریک پیشگام را به عهده گرفت. در همان زمان در ارتباط با رفقای لیستان مسئولیت سازمانی گرفت. پس از طرد جناح اپورتونیست از سازمان رفیق با فعالیت پیگیرانه سازمانی فدائیان برداشت. بتدریج که رژیم جمهوری اسلامی چهره واقعی خود را بتوده ها نشان داد، مسئول توزیع و تبلیغات غرب تهران شد. همزمان با پرورش علمی و وقیعا نه رژیم برای از بین بردن تمام دستاوردهای قیام، رفیق ما هنگام صبح که به خانه اش میرفت با او با شان دستگاه حکومتی رو برو شد، پاسداران او را همراه دور رفیق دیگر با خود بردند و با لاف در تاریخ ۲۶ شهریور ماه او را در متشا ته شهید کردند. جسد رفیق را که ز فرط شکنجه تکه تکه شده بود تنها چند تفری دیدت، جسد را حتی به خاک نراده، او تدا تده شبا ته، در گوشه ای از این خاک خون آلود جنازه کمونیستی را میبردند تا شایدا بدین ریختن خاک بر آن آتش شعله ور انقلاب را خاموش سازند. مزدوران حتماً موقع شکنجه داغ شکنجه ای شاه را برهیکر او دیده بودند مزدوران حتماً مانند ما ساواکیهای شاه به او پیشنها دساز کرده

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد